

شاه باید بماند - شاه مسئولیت ندارد و من برای توجیه آقای کفیل وزارت جنگ این اصول قانون اساسی را میخوانم که در بیانات خودشان هم وقتی حضور اعلیحضرت میروند ملاحظه کنند و هم در مجلس که میباید احترام اصول قانون اساسی را محفوظ بدارند :

اصل چهل و چهارم قانون اساسی میگوید : «شخص پادشاه از مسئولیت مبری است و شورای دولت در هر گونه امور مسئول مجلس هستند .»

اصل شصت و چهارم میگوید : «وزراء نمیتوانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمک قراردادند سلب مسئولیت از خودشان بنمایند .»

اصل چهل و شش میگوید : «عزل و نصب وزراء بموجب فرمان پادشاه است .» ما این اصول را وقتی باهم تطبیق کنیم نتیجه میشود که شاه يك سمت تشریفاتی دارد یعنی شاه باید فرامین را از نظر تشریفات امضاء کند (ببوجب اصل چهل و ششم متمم قانون اساسی) و اگر شما این را جنبه تشریفاتی ببینید آنوقت ما مشروطه نداریم .

اگر بنا باشد عزل و نصب وزراء با پادشاه باشد پس مجلس شورای ملی و مشروطیت و این فرمایشاتی که جناب آقا از دم کراسی فرمودید کجا است ؟ موقع پیدا نمیکند (صحیح است) ما امروز يك شاه خوب داریم و شاه خوب را باید نگاه بداریم . . . . .

### بیانات مجدد آقای کفیل وزارت جنگ

کفیل وزارت جنگ - بنده تصور میکنم موقعی که این مطلب مورد بحث بود

عرایضی که بنده کردم عین همین مطلب بود- بنده عرض کردم ستاد ارتش موظف است



دکتر میلیسپو رئیس سابق کل دارائی

این عکس مربوط به فصل قبل (صفحه ۱۴۴) است چون به موقع بدست نیامد در این صفحه گنجانده شد

و همینطور تمام ادارات ارتش، پیشتهاد خودشان را بوزیر جنگ بدهند و عرض کردم بنده کفیل وزارت جنگ و خودم را مسئول مجلس میدانم و حتی اضافه کردم مسئول ملت و مسئولیت را هم بنده عهده دارم و در وزارت جنگ هر کار میکنم مسئولم و چون راجع بفرمان و این چیزها فرمودند بنده توضیح دادم که آنچه در قانون اساسی هست و آنچه در قوانین دیگر هست بنده آن قوانین را اجرا میکنم خلاف اینهم بنده نگفتم و نظری هم نداشتم و همانطور که فرمودند کاملاً موافقم و عرایضی را که کردم شاید توجه نداشته‌اند در آن موقع آقایان همه میدانند که بنده این نظر را تأیید کردم و همینطور هم هست (صحیح است)

### نظریه مطبوعات

مذاکرات این جلسه مجلس نیز مورد بحث و تفسیر جراید واقع گردید روزنامه «داد» در شماره ۲۸۵ مورخ جمعه ۲۸ مهر ۱۳۲۳ در مقاله اساسی خود نظریه نمایندگی اول تهران و آقای امیر تیمور را در باب مسئولیت وزراء تأیید و از آن پشتیبانی نمود. روزنامه «اقدام» در شماره ۵۹۶ مورخ ۴ آبانماه ۱۳۲۳ تحت عنوان: «شاه مشروطه» پس از ذکر بعضی از اصول منعم قانون اساسی چنین اظهار نظر میکند:

«... این حقوق که بطور جامع و خلاصه ضمن مواد بالا و سایر قسمتهای قانون اساسی تشریح گردیده برخلاف آنچه در اذهان شایع است و ما در امور افراط و تفریط میکنیم فوق العاده مهم و وجود عدم مسئولیت پادشاه که خود یکی از «اختیارات مطلقه» شاه است بدون توجه مانع مداخله شاه می‌بنداریم و وقتی طبق قانون اساسی قائل شویم که نصف اعضای مجلس سنا از طرف شاه تعیین میشود دیگر نمیتوانیم بگوئیم که شاه تشریفاتی است، فرمانروایی کلی قوای بری و بحری، عزل و نصب وزراء، اعلان جنگ، عقد صلح، انعقاد مجلسین، اعطای درجات نظامی و نشان و افتخارات نظامی، بستن عهدنامه و حتی استتار آن و ضرب سکه و غیره دلیل وجود «اختیارات» پادشاه است...»



اینک ما بعضی از اصول قانون اساسی و متمم آن را که آقای خلیلی در مقاله خود نیز بآن اشاره کرده عیناً نقل و بعد بیک بحث اساسی خواهیم شد:

اصل ۴۵ - اعضای مجلس سنا از اشخاص خیر و بصیر و متدین محترم مملکت منتخب میشوند، سی نفر از طرف قربن الشرف همایونی استقرار مییابند، ۱۵ نفر از اهالی پایتخت یا زده نفر از اهالی ولایات و سی نفر از طرف ملت با زده نفر با انتخاب اهالی تهران و با زده نفر با انتخاب اهالی ولایات.

بعضی از اصول قانون اساسی ..... ۱۵۰  
اصل ۴۴ - شخص پادشاه از مسئولیت مبری است وزراء دولت در هر گونه امور  
مسئول مجلسین هستند.

اصل ۴۶ - عزل و نصب وزراء بموجب فرمان همایون پادشاه است .

اصل ۴۷ - اعطای درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری با مراعات قانون  
مختص شخص پادشاه است .

اصل ۵۰ - فرمانفرمائی کل قشون بری و بحری با شخص پادشاه است .

اصل ۵۱ - اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است .

اصل ۵۴ - پادشاه میتواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را بطور فوق العاده  
امر بانقضاء فرماید .

اصل ۵۵ - ضرب سکه با موافقت قانون بنام پادشاه است .

اصل چهل و هشتم - انتخاب مأمورین رئیس دوائر دولتی از داخله و خارجه  
با تصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه است مگر در مواقعی که قانون استثنا  
نموده باشد ولی تعیین سایر مأمورین راجع بیادشاه نیست مگر در مواردیکه قانون  
تصریح میکند :

اصل چهل و نهم - صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه  
است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نمایند .

اصل پنجاه و دویم - عهد نامه هائی که مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی  
مورخه چهاردهم ذیقعد بک هزار و سیصد و بیست و چهار استتار آنها لازم باشد بعد از  
رفع محظور همینکه منافع و امنیت مملکتی اقتضا نمود با توضیحات لازمه باید از  
طرف پادشاه بمجلس شورای ملی و سنا اظهار شود .

یک بحث اساسی در باره :

## عزل و نصب وزراء

نظریات محترم آقای خلیلی مدیر محترم روزنامه «اقدام» را در بالا  
ذکر کردیم چون معتقدیم که در این موضوع اساسی اگر مطالعات کافی بشود مطلب  
روشن تر میشود لذا بی مناسبت نمیدانیم که با استفاده از عقاید علمای حقوق اساسی نظریات  
خود را بشکاریم :

سه نظر در باره :

عزل و نصب وزیران

در مورد عزل و نصب وزراء ممکن است سه نظر اظهار شود. این سه نظریه بشرح ذیل است :

۱ - عزل و نصب وزراء از حقوق مسلم پادشاه و نمایندگان حقیقی ملت است .

۲ - از حقوق مسلم رئیس هر کشور میباشد .

۳ - از حقوق مسلم نمایندگان حقیقی ملت است .

قسم اول در هیچ کتابی نوشته نشده و در هیچ کشوری بآن عمل نشده است بنابراین از بحث آن خودداری و از دو قسمت اخیر گفتگو مینمایم .

اگر این حق از خصائص مقام سلطنت شناخته شود حضور وزراء در مجلس و استیضاح از آنها برای عدم اعتماد و در نتیجه سقوط دولت کاملاً بی منطقی و بی معنی میشود . چنانچه عزل و نصب وزراء از حقوق مسلم نمایندگان ملت باشد صدور فرمان شاهانه بدمورد است . هر وقت مجلس از وزیرى اظهار عدم رضایت نمود باید برود و هر کس که مورد اعتماد مجلس است قائم مقام او بشود پس برای رفع اختلاف باید قوانین اساسی ممالکی را مطالعه نمود که قرن ها پیش از ما با حکومت مطلقه و استبداد مبارزه کرده و مشروطه را قائم مقام آن نموده اند و ما که هنوز نیم قرن نیست مقلد آنها شده ایم همانطور عمل کنیم و ره چنان برویم که رهروان رفته اند .

سه قسم قانون اساسی در دنیا

دولت عالم از نظر «قانون اساسی» سه قسم تقسیم میشوند :

۱) - در بعضی از ممالک قوم عقیده از قوم مجریه کاملاً تفکیک و مجزا است یعنی وزراء نه در مجلس حاضر میشوند و نه با مجلس ارتباطی دارند مجلس بدون اینکه دولت پیشنهاد بکند قانون وضع میکند و دولت اجرا مینماید و عزل و نصب وزراء با «رئیس جمهور» است این طریقه در ممالک متحده «آمریکای شمالی» معمول است و سایر کشورهای آن قاره از آن اقتباس نموده اند .

(۲) - طریقه مملکت «سویس» که قوه مقننه بر قوه مجریه مزیت دارد و مجلسین یکجا جمع میشوند و ۷ نفر مدیر برای مدت سه سال انتخاب میکنند که مملکت را اداره کنند و آنها هم هر سال یکی را از بین خود انتخاب مینمایند که رئیس دولت متحده سویس میشود (۱)

(۳) - توازن قوه مقننه و مجریه که این طریقه را اصطلاحاً حکومت «پارلمانی» گویند که «انگلیس» مینکر آن است و اکثر ممالک آنرا یا تغییراتی که متناسب با وضعیت خودشان بوده است قبول کرده اند و مراد این است که بین قوه مجریه و مقننه «تعادل» باشد و هیچ یک از آنها بر دیگری مزیت پیدا نکند و عامل موثر این موازنه «مسئولیت وزراء» در مجلس و «حق انحلال مجلس» برای دولت است (۲)

(۱) در سویس وزارتخانه و وزیر نیست و زارتخانه را دیارنمان (اداره) و مدیر آنرا «رئیس دیارنمان» گویند و همچنین «رئیس جمهور» است و رئیس مملکت را رئیس دولت متحده سویس نامند.

(۲) - بر طبق اصل ۴۸ قانون اساسی «هر گاه دولت پیشنهادی نمود و در مجلس سنا تصویب شد و مجلس شورای ملی بشرحی که در اصل مزبور مندرج است با آن موافقت نمود و مجلس سنا و دولت با انحلال مجلس شورای ملی موافقت نمودند فرمان انحلال مجلس از مقام سلطنت صادر و انتخابات تجدید میشود.

ولی تفاوت این انحلال با انحلال مجلس و کلاً در سایر ممالک بقدر تفاوتی است که بین زمین و آسمان است - در آن ممالک مدت دوره تقنینیه بیش از دو سال است مثلاً در انگلستان هفت سال میباشد در این صورت ممکن است تفاوت فاحشی بین افکار مردم در موقع انتخابات و افکار عمومی «در زمان انحلال» پیدا شود که از انحلال مجلس این نتیجه را بخواهند بگیرند که نمایندگانی مطابق افکار روز وارد مجلس بشوند که اینک در انگلستان این روزه در اواخر هر دوره معمول است در صورتی که در ایران مدت دوره تقنینیه دو سال است و نکته مهم این است که در آنجا و کلاً را «مردم» انتخاب میکنند و اختلاف نظر ممکن است بین مردم و نمایندگان حاصل شود ولی در این ممالک که و کلاً اکثر نمایندگان حقیقی مردم نیستند این فلسفه تحقق پیدا نمیکند.

اصل ۴۸ قانون اساسی در اینجا نقل میشود :

**اصل ۴۸ قانون اساسی** - هر گاه مجلسی که از طرف وزیر پس از تفریح و تصحیح در مجلس سنا و مجلس شورای ملی رجوع میشود قبول نیافت در صورت اهمیت مجلس ثالثی مرکب از اعضای مجلس سنا و مجلس شورای ملی بحکم انتخاب اعضای دو مجلس و بالنسبه تشکیل یافته در ماده متنازع بقیه رسیده گسی میکند نتیجه رأی این مجلس را در شورای ملی قرائت میکند؛ اگر موافقت دست داد فیهار الا شرح مطلب را بعرض حضور ملوکانه میسرسانند هر گاه رأی مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند مجری میشود و اگر تصدیق فرمودند امر تجدید مذاکره و مذاقه خواهند فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا

بقیه پاورقی در ذیل صفحه بعد

اگر «وزیر» برخلاف نظریات مجلس رفتار کرد، مجلس دولت را ساقط میکند و اگر چنانچه دولت بخواهد بر طبق مصالح مردم عمل کند و «مجلس» از این حق سوء استفاده نموده دولت را ساقط کند. دولت بر طبق مقررات قانون اساسی و در انگلستان که قانون اساسی مدون نیست و عادی است بر طبق سیره، مجلس را منحل می کند چنانچه در انتخابات بعد تقریباً همان و کلا یا نمایندگانی که پیرو عقیده آنها باشند انتخاب شوند معلوم میشود که حق با مجلس است و الا آن نمایندگان انتخاب نمی شوند و بمجلس مردمی وارد میشوند که با دولت موافقت کنند بنا بر این در ممالک پارلمانی عزل و نصب وزراء با مجلس است.

### در انگلستان

اول مملکتی که بنا بر عادت وزراء را مسئول مجلسین قرارداد و مقام سلطنت را غیر مسئول، انگلیس است که در آنجا عادت از قانون در سایر ممالک محترم تر است و ضرب المثل: «شاه نمیتواند بد بکند» *Le roi ne peut mal faire*<sup>(۱)</sup> طوری در افکار جامعه رسوخ کرد که شاه امر شخصاً مرتکب قتل بشود از هر گونه تعقیب مصون است و محکمه ای نیست که مافوق شاه باشد که او را محاکمه کند، بنا بر این اگر کسی ادعا نمود بامر شاه مرتکب خلاف قانونی شده است چون در قوه شاه نیست که امری برخلاف قانون صادر کند از او پذیرفته نمیشود و عدم مسئولیت شاه سبب شده است که وزراء مسئول مجلسین بشوند.

و نیز بمصداق ضرب المثل دیگری که: «شاه بشنهایی هرگز نمیتواند اقدامی»

کند. *Le ro ne peut jamais agir seul* کلیه نوشتجات شاه حتی فرمان عفو را

بقیه پاورقی از ذیل صفحه قبل

با کثرت دو تکت آراء انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند و هیئت وزراء هم جداگانه انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند فرمان همایونی بانفصال مجلس شورای ملی صادر میشود و اعلیحضرت همایونی در همان فرمان حکم بتجدید انتخاب میفرماید و مردم حق خواهند داشت منتخبین سابق را مجدداً انتخاب کنند.

(۱) ملاحظه شود کتاب «حقوق اساسی» تألیف اسن A. Emein جلد اول صفحه ۱۵۹

که از حقوق مسلم شخص پادشاه است باید وزراء مهر کنند و خود را مسئول بدانند. (۱)

و باز با بن هم قناعت نکرده اند که وزراء فقط فوئوجات موثر شاه را مهر کنند چه ممکن است شاه اظهاراتی کند که در مقدرات مملکت بسیار موثر باشد باین لحاظ شاه نمیتواند بدون حضور وزیر خارجه با سفرای ممالک بیگانه ملاقات کند و هرگونه مذاکرات خصوصی شاه با یکی از سفرا بر خلاف روح مشروطیت است. (۲)

### تاریخچه مسئولیت وزراء در انگلستان

مسئولیت وزراء در انگلستان یک مرتبه برقرار نشده بلکه بعد از انقلاب ۱۶۸۸ میلادی که مقرر شد بودجه در هر سال تصویب مجلسین برسد تدریجاً مستقر شده و وزراء تحت نفوذ پارلمان در آمده اند و هر قدر حکومت ملی قوت گرفت مسئولیت انفرادی وزراء بیشتر استقرار پیدا کرده است تا اینکه در سال ۱۷۸۲ تنهانه یک وزیر برای کار خود بلکه وزیران مجتمعاً مسئول مجلسین واقع شدند که بسیاری از ممالک وقتی خواستند برای خود قانون اساسی وضع کنند از مشروطیت عادی انگلیس تقلید نموده و مسئولیت انفرادی و اشتراکی وزراء را در قوانین اساسی خود وارد نموده اند و فلسفه این امر (یعنی فلسفه مسئولیت وزیران) چون بر خوانندگان ارجمند روشن و واضح است لازم نمی بینیم که در اینجا به بیان آن بپردازیم فقط یاد آور میشویم که حتی مملکت فرانسه که جمهوری است تقلید از انگلستان نموده و در قانون اساسی رژیم پارلمانی را قبول کرده است.

### استیضاح

رأی منفی - رأی مثبت

آنچه در فوق مذکور شد راجع به مسئولیت سیاسی وزراء است که مجلس در موقع استیضاح قضاوت میکند و چنانچه پس از استیضاح مجلس بدولت رأی «مثبت» داد، دلیل بر این است که استیضاح وارد نیست - بنا بر این دولت میماند و در رأی «منفی» دولت

(۱) - اصل ۵۴ متمم قانون اساسی مامم هیئتطور است: «کلیه قوانین و دستخط های پادشاه در امور مملکتی وقتی اجراء میشود که با مضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است»

(۲) همان مؤلف (اسن) صفحه ۱۶۶

از کار برکنار میشود و رأی «ساکت» آن است که مجلس استیضاح را نه تصدیق کند و نه آنرا رد نماید (ماده ۴۷ نظامنامه مجلس شورای ملی) - اگر وزیر یا دولت برای ساکت متقاعد نشدند و تقاضای رأی مثبت نمودند و مجلس مضایقه کرد باز دولت ساکت میشود.

**مسئولیت حقوقی و جزائی  
وزرا و نخست وزیران**

بدیهی است که وزراء و نخست وزیران مثل سایر افراد از نظر حقوقی و جزائی هم مسئول میباشند قانون «محاكمه وزراء» در ماده اول چنین

مقرر داشته: «نخست وزیر یا وزیری که در امور مربوطه بشغل و وظیفه خود متهم بارتکاب جنحه و جنایتی شود مورد تعقیب مجلس خواهد شد اعم از اینکه جنین تعقیب متصدی وزارت باشد یا نه»

بر طبق اصل ۶۹ «متمم قانون اساسی» محکمه صالحه برای رسیدگی بجرایم وزراء و نخست وزیر «دیوان تمیز» است (دیوان کشور) و مع التاسف دیوان مزبور نه تنها در زمان دیکتاتوری تحت نفوذ واقع میشد بلکه بعد از شهریور ماه ۱۳۲۰ هم که ظاهراً مملکت دارای حکومت دموکراسی شده است «تدین» و «سهیلی» را تبرئه کرد که ما نظریات خود را در این مورد در قسمت «اعلام جرم بر علیه تدین و سهیلی» نگاشته ایم و بنظر خوانندگان عزیز خواهد رسید.





# کابینه بیات

## و قانون «تحریم امتیاز نفت»

قانون «تحریم امتیاز نفت» در جلسه یازدهم آذرماه ۱۳۲۳ از تصویب مجلس گذشت. نگارنده لازم میدانند جهات وعللی را که موجب پیشنهاد طرح قانونی دکتر مصدق شده قبلاً بیان کند و بعد بنطقهایی، که در اینموضوع نماینده اول تهران در مجلس شورایملی ایراد نموده است، بپردازد.

در آبانماه ۱۳۲۲ مطابق با ژانویه ۱۹۴۴ دوفتر نماینده شرکت انگلیسی «شل» از لندن و در اسفند ماه همان سال نماینده دیگری از شرکت

در کابینه سهیلی (قبل از مجلس ۱۴)

آمریکائی «استاندارد و اکیوم» از واشنگتن بتهران آمدند تا درخصوص اراضی نفت خیز ایران، خسارج از حدود امتیاز نفت جنوب، مطالعاتی نموده و راجع بگرفتن امتیاز آن با دولت مذاکراتی بنمایند ویشنهاداتی هم نمودند،

چند ماه بعد کمپانی دیگر آمریکائی بنام «سینکگر» نماینده بایران فرستاد و او نیز ویشنهاداتی بدولت در همین خصوص تقدیم کرد.

برای اینکه باین ویشنهادات از جنبه فنی رسیدگی شود دولت دوفتر متخصص آمریکائی بنام «هور» و «کرنیس» استخدام نمود و آنها در اوایل سال

استخدام دوفتر مستشار آمریکائی

۱۳۲۳ وارد ایران شده وظاهراً طرحی تهیه و بدولت تسلیم نمودند.

جریانات بالا تا مدتی در کمال اختفا و استتار صورت میگرفت و آنچه در جراید نوشته میشد چون از منابع موثق و رسمی انتشار نمیافت قابل اطمینان نبود و فقط در نوزدهم مرداد ماه ۱۳۲۳ برای اولین بار در این موضوع هم در مجلس

اولین مذاکره راجع  
بنفت در مجلس ۱۴

مذاكراتی شد و پاره ای از جریانات پشت پرده آشکار گردید.

در این جلسه آقای «طوسی» نماینده «بجنورد» پس از ایراد يك مقدمه ای راجع به اهمیت جهانی نفت، و تذکر باینکه لازم بود دولت از بدو شروع بمذاكرات مجلس شورای ملی را از وقایع مستحضر مینمود، از آقای نخست وزیر (ساعتد مراغه) در باب نفت و نظریات دولت سؤال کرد و در همان جلسه آقای «دکتر رادمنش» نماینده «لاهیجان» و عضو «فراکسیون توده» و مدیر روزنامه «مردم» نیز از نخست وزیر توضیحاتی خواست که متن آن از مجله مذاكرات مجلس شماره ۱۳۰۸ مورخه نوزدهم مرداد ۱۳۲۳ صفحه ۸۰۹ نقل می شود:

### نطق دکتر رادمنش

از چندی باینطرف همه آقایان مطلع هستند که در جراید داخلی و خارجی مفصلاً راجع به نفت شرق و مخصوصاً راجع به نفت ایران مطالبی نوشته و درج گردید.



آقای دکتر رادمنش نماینده لاهیجان  
و عضو فراکسیون توده در مجلس ۱۳

داخلی هم خواندیم که آقای دکتر میلیسپو بر ای همین کار دو مستشار از امریکا استخدام کرده اند و میخواهند راجع به نفت با آقایان مستشاران مشورت کنند و يك جریان دوم هم دیده میشود و آن مجالسی است که جناب آقای نخست وزیر در این هفته های اخیر دارند و از يكمده از آقایان جلساتی تشکیل میدهند و مشورتهایی بهمین منظور که در روزنامه ها نوشته میشود میکنند و این جلسات هم گویا مربوط به نفت است و امید وارم که این دو جریان يك جریان باشد و بنده خواستم عرض کنم که بنده بار فقايم با دادن امتیازات بدولت های خارجی بطور کلی مخالفیم؛ همانطور که ملت ایران توانست راه آهن را خودش احداث کند بنده یقین دارم که با کمک مردم و سرمایه داخلی ما میتوانیم تمام منابع ثروت این مملکت را استخراج کنیم و شاید بتوانیم موضوع بدبختی مردم این مملکت بهبودی بدهیم. اگر فرض کنیم که این مورد استثنائی است من تعجب از مجله در این قضیه میکنم که چرا ما در يك چنین موقع بحرانی که تمام دنیا در آتش میسوزند در این امر ایتقدر تسریع میکنیم و بعقیده بنده این تسریع بیبوجه صلاح نیست و مقتضی نیست در چنین موقعی با عجله ما يك اقدامی بکنیم که شاید قرن ها در آتیه تأسف آنرا بخوریم. بنابراین از جناب آقای نخست وزیر خواهش میکنم آتقدری که اطلاع دارند توضیح بدهند.

## بیانات نخست‌وزیر (آقای ساعد)

در جواب سؤالی که آقای طوسی و آقای دکتر رادمش در موضوع امتیاز جدید فقط فرموده اند خاطر محترم آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی را

مستحضر می‌دارد :

در آبان‌ماه ۱۳۲۲ ( اینکه فرمودند عجله میکنند ملاحظه می‌فرمائید که عجله در کار نیست ) دو نفر از مدیران شرکت «شل» از لندن به تهران آمده و پیشنهاداتی دایره به امتیاز فقط قسمت جنوب شرقی ایران بدولت تسلیم داشته و در اسفند ماه همان سال نماینده نیز از طرف شرکت امریکائی « استاندرد او اکیون » به تهران وارد و نیز برای تحصیل امتیاز در همان ناحیه پیشنهاداتی بدولت دادند ضمناً کمپانی امریکائی « سینگلر » نیز اطلاع داد در نظر دارد پیشنهاداتی در این خصوص تسلیم دارد و اخیراً پیشنهاداتی هم از کمپانی مزبور رسیده - چون قبل از همه چیز لازم بود پیشنهادات واصله مورد مطالعه قرار گیرد و تقاضای هر يك از آنها معلوم و مشخص گردد و در صورت لزوم طرح مقابله تهیه گردد کمپانی مرکب از اشخاص مطلع تشکیل گردید و شروع بمطالعات لازم نمود و نظر باینکه اعطای چنین امتیازی ایجاب می‌نمود که موضوع از لحاظ فنی نیز کاملاً مورد دقت قرار گیرد آقایان «هور» و «گریس» که تخصص و سابقه زیادی در امور مربوط به نفت دارند استخدام و اخیراً به تهران وارد شده و با کمپانی که در بالا برض رسید شروع بکار نموده‌اند .

بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید اقداماتی که تاکنون بعمل آمده جنبه مطالعاتی داشته و قبل از اتخاذ هر گونه تصمیم دولت نظر نمایندگان محترم مجلس شورای ملی را جلب خواهد نمود تا با آنچه موافق با مصالح و منافع کشور باشد عمل شود .

ایشان آقای طوسی فرمودند سیاست استتار استتاری در کار نیست بنده میتوانم به آقایان نمایندگان اطمینان بدهم تا موقتی که این دولت سرکار است منافع عالی این کشور بهیچوجه فدای يك مقام معصوم داخلی و خارجی نخواهد بود و همکاری با مجلس در اینطور مسائل مهم حیاتی منظور نظر اساسی دولت است و هیچوقت بدون جلب نظر مجلس دولت در اینطور کارها اقدامی نخواهد کرد . فرمودند با چه اشخاصی این مذاکرات شده است همانطور که عرض کردم این مذاکرات با کمپانیهای انگلیسی و آمریکائی است و ما در اینطور مسائل عجله را قائل نیستیم، ما اطراف کار را درست ملاحظه می‌کنیم و چیزی را که ما خاطر نشان کردیم این است که چهل سال پیش در ۱۹۰۳ ما آمدم يك امتیاز نفتی داده ایم از ۱۹۰۳ تا ۱۹۴۴ چهل سال گذشته است و هیچوقت نمیتوانیم آنطور که در ۱۹۰۳ امتیاز دادیم حالا بدهیم و باید کاملاً اطراف کار مطالعه شود - آنچه راجع به مستشاران فرمودند که اینها مستشار هستند، خیر اینها متخصص هستند و آنها را خواسته ایم و آمده اند چون در هر کاری باید نظر متخصصین جلب شود این اشخاصی که خواسته شده اند در امور نفتی تخصص دارند، متر «هور» در طبقات الارض و معدن شناسی تخصص مخصوصی دارد و اینها را برای تخصص در امر نفت برای دوسه ماه از امریکای شمالی استخدام کرده ایم - آقای «هور» برای سه ماه و آقای «گریس» را برای ششماه و خیلی مدت گذاشته‌اند که دعوت مارا پذیرفته‌اند آقای دکتر رادمش راجع به مجالسی که در اینخصوص تشکیل میشود اشاره فرمودند عرض میکنم مجالسی نیست کمپانیهای است که نظر اشخاصی که در این قراردادها تخصص دارند تشکیل میشود و آن اشخاص جمع میشوند به بینیم آنها چه چیزها میخواهند ما هنوز برای آنها جوابی تهیه نکرده ایم فقط تا حالا مطالب آنها را خواسته ایم به بینیم چیست .

آقای دکتر ادمش فرمودند که با هرامتیازی که داده شود مخالف خواهند بود این یک مسئله نظری است و هر بوط بدولت نیست، هر بوط بمجلس است، بمجلس هر تصمیمی اتخاذ بکنند دولت هم تابع نظریات مجلس است. آقایان اگر بعد از این جواب بنده نظریاتی دارند بفرمایند توضیح داده شود و برای جواب سوال آقای دکتر مصدق که راجع به آقای دکتر میلیسپو و پول فرموده بودند حاضرم.

رئیس - آقای دکتر ادمش.

بنده همان مطلب نظری که آقای نخست وزیر فرمودند قبول دارم و عرض میکنم خوب بود قبلًا بمجلس شورای ملی مذاکره میشد و نظر مجلس خواسته میشد که آیا مجلس شورای ملی یعنی مجلس چهاردهم موافق با دادن امتیازات بدولت های خارجی هست یا نه؟ پس از آنکه جلب نظر مجلس را میکردند و این مذاکرات میشدند، ایراد دیگری که دارم این است که بطوریکه آقای نخست وزیر فرمودند تقاضا کنندگان امریکائی هستند خوب بود متخصصینی که برای اینکار دعوت میکردند از یک ملت دیگری دعوت میکردند.

**توضیح دکتر ادمش**

پس از مذاکرات بالا در مجلس و غوغائی که بین مردم و درجراید راجع بنفت پیدا شده بود همسایه شمالی هم که تا آن موقع سکوت اختیار نمود و هیچگونه تقاضائی از ایران نکرده بود درصد تحصیل امتیاز بر آمد.

**همسایه شمالی هم میان آمد**

توضیح آنکه در تاریخ ۲۲۳۶۱۳ تلگرافی از سفیر کبیر ایران در مسکو بوزارت امور خارجه واصل و طبق آن بدولت اطلاع میرسد که نماینده کمیساریسای خارجه اتحاد جماهیر شوروی با آقای



مرحوم مجید آهر سفیر کبیر ایران در مسکو هنگام مذاکره با کائینین قائم مقام کمیساریسای اتحاد جماهیر شوروی

اعتصامی مستشار سفارت کبیرای ایران اطلاع داده که دولت اتحاد جماهیر شوروی در نظر دارد برای بررسی و مذاکره راجع به نفت خوریان، کمیسیونی از متخصصین و غیره بایران اعزام دارد. در تاریخ ۲۲۳۶۱۳ تلگراف دیگری از

آقای «آهی» سفیر کبیر بوزارت خارجه واصل و باستحضار دولت میرساند که جناب آقای معاون کمیساریسای خارجه بملاقات ایشان رفته و متذکر شده که «برای تحقیق و مذاکره راجع به نفت خوریان» بانفاق چند نفر متخصص و غیره تا چند روز دیگر

۱۶۰ مجسمون شوروی برای امتیاز نفت  
عازم ایران خواهند شد \*

در تاریخ ۲۱ ر ۲۲۳ آقای نخست وزیر تلگرافاً آقای آهی اطلاع میدهد که هرگاه آقایان فوق الذکر بایران وارد شوند بانهایت گرمی از آنها پذیرائی بعمل خواهد آمد. (۹)

**ورود میسیون شوروی**

در اواخر شهریور ماه ۱۳۲۳ کمیسیونی از طرف دولت شوروی تحت ریاست آقای «س. ای. کافتارادزه» معاون کمیساریای ملی امور خارجه

شوروی سوسیالیستی بایران آمد، میسیون مزبور مسافرتی هم بشمال نمود و نواحی نفت خیز را مورد بررسی قرار داد و ظاهراً با آقای ساعد نخست وزیر نیز مذاکراتی کرد...

نقل آقای ساعد نخست وزیر  
در جلسه ۲۷ مه. ماه ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی (۲)

رئیس - آقای نخست وزیر فرمایشی داشتید ؟

نخست وزیر (آقای ساعد) - در روزهای اخیر در اطراف موضوع نفت چیزهایی نوشته شده و گفتگوهایی هست که لازم میدانم توضیحاتی بدم .  
جمعی از نمایندگان - بفرمائید.  
نخست وزیر - آقایان نمایندگان محترم :

از چند ماه پیش موضوع نفت ایران توجه محافل ذی‌ملاقه ایران و نمایندگان مجلس شورای ملی را جلب و درجراید و مجامع و در اطراف آن بحث‌ها نموده اند و در همین مجلس اظهارات آئین نمایندگان و تعابیر مصلحتین بر این بود که دولت بهیچوجه نباید ذخایر نفت را بشنوان امتیاز باجانب بدهد و بلکه این ذخائر و این منابع ثروت را برای تحکیم بنیان ثروت ملی و توسعه امور اقتصادی برای آینده حفظ و برای استفاده از این منابع سرمایه ملی ایران را جلب نماید ( صحیح است - صحیح است ) در همین مجلس بخیال اینکه دولت در پشت پرده برای دادن امتیاز بشرکتهای خارجی داخل معاملاتی شده نسبت استتار را بدولت در مسائل مهم اقتصادی دادند ولی در مقابل سؤال نمایندگان توضیحات لازمه را در اطراف پیشنهادات شرکتها و مطالبات دولت دادند و اضافه نمودم که دولت برای تأمین منافع عالی اقتصادی کشور از متخصصین عالی‌مقام خارجی نظریات خواسته تا سیاست خود را در مسئله نفت روشن و خطروش خود را با تطبیق با اوضاع و احوال کنونی ایران ترسیم نماید . در خاطر دارم چه در موقع جواب سؤال چه در موقع بحث در اطراف برنامه دولت نظر عموم نمایندگان بلا استثناء نسبت بامتیاز نفت منفی بوده و در چهره‌های باز و بی‌آلایش نمایندگان آثار نگرانی هویدا بود که مبادا در این موقع چنانکوستیزه دولتی در سر کار باشد

(۱) نقل از روزنامه در عدامروزه شماره ۲۹۴ چهارم آبان ۱۳۲۳ تحت عنوان «چگونگی جریان مذاکرات نفت ایران و شوروی»

۲ - نقل از مذاکرات مجلس شماره ۱۳۳۰ مورخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۲۳ صفحه ۱۲۹۱

که بدون مراجعه برای مجلس واستیضاح از این مقام مقدس در مقابل شرکتها و دولت ها تعهدی کرده و یا وعده اعطای امتیازی داده باشد و برای من یقین حاصل بود که اگر بیکی از شرکتها حتی وعده شفاهی داده بودم و یا در مذاکرات با نمایندگان سیاسی دول ذی‌علاقه راجع با اعطای امتیاز تعهدی داشتم با مخالفت شدید آقایان نمایندگان مواجه میشدم (صمیم است) پوشیده نماند در کابینه قبل اینجانب آقایان نمایندگان تصور کرده بودند و سوء ظن داشتند که دولت بدون مراجعه و مشاوره قبلی با مجلس میخواهد امتیازی بکمپانیهای خارجی بدهد. در همین مجلس دولت قبل در استارحقایق مربوط به نفت مورد سوء ظن بود در صورتی که استتاری در کار نبوده است و دولت همواره از عقاید عده کثیری از نمایندگان هدایت میشده که نباید با مشکلات عدیده و اوضاع عمومی کشور امتیازی بشرکتها خارجی داده شود و مخصوصاً در افکار عامه این عقیده راسخ حکمفرما بود که شاید در مذاکره راجع با امتیاز نفت دولت آزادی نظر و آزادی تصمیم را نداشته باشد اما تاریخچه آمدن نمایندگان کمپانی های نفت و مطالعات دولت بقراردیل است :

در دیماه ۱۳۲۲ (ژانویه ۱۹۴۴) نمایندگان شرکت «شل» و شرکت آمریکائی «استاندار و اکیوم» و بعداً «سینکگر» به تهران آمده و راجع به تقاضای امتیاز نفت در بعضی از قطعات ایران بدولت وقت پیشنهادی داده و تقاضای مطالعه طرحهای پیشنهادی را نموده بودند. دولت وقت مناسب دیده بود بمتخصصین عالی مقام در امور تقطی مراجعه نماید که مطالعات علمی و عملی در پیشنهادات نموده طرحی تهیه نمایند که از هر حیث با مصالح عالی و منافع اقتصادی کشور وفق بدهد و اشتباهات گذشته تکرار نشود ولی در جریان مطالعات متخصصین بنمایندگان شرکتها هیچ نوع جواب مثبت داده نمیشد و بلکه نظر دولت بر اینکه مطالعه موضوع امتیازات به بعد از چنگ مگر کول گردد خاطر نشان میشد. در این ضمن اطلاعاتی هم مربوط بکنفرانس نفت در آمریکا و جریان مذاکرات آن کنفرانس از مأمورین دولت شاهنشاهی در خارجه واصله شد که دولت را پیش از پیش متوجه بلزوم اتخاذ خط مشی و رویه ثابتی که حافظ منافع عالی کشور در حال و آتی باشد نمود و باین جهات در اولین جلسه هیئت وزیران ضلعی در روز

حضوری و مذاکرات دوستانه که بنغم دو کشور باشد کمال مسرت را خواهد داشت .  
نمایندگان - صحیح است .

### کنفرانس مطبوعاتی در سفارت شوروی

بعد از نطق آقای ساعد نخست وزیر و جواب ردی که به پیشنهاد نمایندگان اعزامی شوروی داده شده - بود از طرف آقای « کافنارادزه » معاون کیساریای

ملی امور خارجه شوروی کنفرانس مطبوعاتی در تاریخ سه شنبه دوم آبان ۱۳۲۳ (۱۲۴) کتبر ۱۹۴۴) در سفارت کبرای شوروی تشکیل و عده از نمایندگان مطبوعات پایتخت در آن کنفرانس حضور داشتند .

در این کنفرانس بنوا آقای کافنارادزه نسبت به پیشنهادی که از طرف کمیسیون اعزامی برای کشف و استخراج نفت در نواحی شمالی ایران داده شده بود و مذاکراتی که راجع باین موضوع با دولت ایران نموده بود اطلاعاتی داد که قسمت مهم آن از روزنامه « آذیر » شماره ۲۰۵ چهارم آبانماه ۳۲۳ عیناً نقل میشود :

« ... دولت اتحاد جماهیر شوروی در نظر دارد امتیاز نواحی « آذربایجان شمالی » و « کیلان » و « مازندران » و قسمتی از ناحیه «ستان» و چند ناحیه « ازخراسان شمالی » (شمال قوچان) را تحصیل نماید . پس از فاصله زمان معلومیکه برای انجام اکتشافات ضروری زمین شناسی کافی باشد ناحیه امتیاز بطور قطعی تعیین و بقتضی در آن حدود منابع نفتی و امکان بهره برداری صنعتی آنها ثابت شود محدود خواهد بود .

بدیهی است که صاحب امتیاز پرداخت های تئوری و پرداخت های از روی منافع و همچنین مبالغی را که در قرارداد بجای معاف شدن از پرداخت مالیات مشروط گردد تأدیه خواهد نمود ضمناً دولت اتحاد جماهیر شوروی حاضر است پرداختهای حداقل امتیاز را که تعیین خواهد شد گردید تضمین نماید .

صاحب امتیاز متعهد خواهد بود که مواد نفتی را با شرایط استثمالی چه برای احتیاجات دولت و چه برای احتیاجات اهالی کشور ایران بدهد .

دولت ایران بازرسی فنی بر عملیات صاحب امتیاز و صنعت محاسبه منافع و پرداختهای بنفع ایران و غیره را بعمل خواهد آورد .

پس از اتمام مدت امتیاز کلیه بنگاههای صاحب امتیاز در حالیکه قابل بهره برداری باشد بلاعوض بدولت ایران واگذار خواهد گردید .

انجام عملیات برای کشف و بهره برداری منابع نفت در شمال ایران و سایر استفاده از وجود هزاران کارگر و کارمند بخصوص از عده ای که فعلاً در ترازیت مهلت جنگی از طریق ایران با اتحاد جماهیر شوروی اشتغال دارند، ایجاد خواهد نمود .

طبیعی است که صاحب امتیاز کوشش خواهد نمود که عده زیادی مهندس و متخصص و کارگران و کارشناس برای صنایع نفت از اتباع ایران تعلیم و تربیت نماید .

ایجاد چاههای نفت، ساختمان مساکن برای کارگران و تعمیرگاهها و راههای شوسه نیز مورد احتیاج واقع خواهد گردید و در نتیجه آن صنایع مصالح ساختمانی توسعه خواهد یافت .

در نتیجه انجام دادن عملیات اکتشافی زمین شناسی درباره نفت می شک معادن دیگر نیز کشف خواهد شد مانند آهن - ذغال سنگ - مس که بعداً ممکن است از طرف ایران برای توسعه تروت ملی مورد استفاده قرار گیرد .

صاحب امتیاز تمامی اقدامات لازمه را برای بهداشت و بهبودی بهره برداری کارگران و کارمندان بنگاههای امتیاز و همچنین اعضاء خانواده آنها بعهده خواهد گرفت و برای این

منظور اعتبارات معنوی تعیین خواهد نمود. بسیاری از نمایندگان طبقه روشنفکر خواهند توانست از معلومات و کار خود در نواحی استخراج نفت استفاده نمایند.

مخصوصاً باید خاطر نشان نمود که توسعه استخراج نفت و مسئله تأمین آب نواحی استخراج بستگی کامل بهم دارد و این قضیه باعث آبیاری و آبداری نواحی خواهد گردید. ایجاد صنایع نفت در نواحی شمالی ایران که فعلاً بلااستثناء نواحی کشاورزی میباشد برای پیشرفت کشاورزی در نواحی مزبور شرایط مساعدی بوسیله تأمین یک بازار تازه برای محصولات کشاورزی بوجود خواهد آورد.

کارگران و کارمندان پنجاههای امتیاز که مزد آنها بطور قطع تأمین خواهد گردید مقدار زیادی چه از محصولات کشاورزی و چه از محصولات منتهی مصرف خواهند کرد و بالتبع برای توسعه تجارت و پیشرفت کار و وسائل نقلیه معنی اساسی محکمی بوجود خواهد آورد.

دولت اتحاد جماهیر شوروی در مورد منافع اضافی نفت ذبلاقه و دارای وسایل فراوانی برای ایجاد صنایع نفت میباشد.

اما ایران چنانچه قبلاً گفته شد از بهره برداری منابع نفت خیز خود منافع زیاد اقتصادی دریافت خواهد نمود. کمیون دولت شوروی انتظار خود را مبنی بر اینکه پیشنهاد دولت اتحاد جماهیر شوروی قبول شده و دولت ایران نمایندگان خود را برای مذاکرات راجع به قرارداد بدون اینکه کار را بآتیه موکول سازد تعیین خواهد نمود کاملاً بیورد میدانست. باید متذکر گردید که جناب آقای نخست وزیر در مذاکرات خود با این جانب نه تنها حسن تلقی کامل و وارد بودن در موضوع را اظهار نمودند بلکه وعده داده بود که برای حل مثبت مسئله کمک و مساعدت نمایند.

ولی چنانکه معلوم است تصمیمی مبنی بر اینکه مطالعه و اگذاری امتیاز را بدولت شوروی تا پایان جنگ موکول اتخاذ نموده که در حقیقت رد پیشنهاد میباشد. این جانب باید صراحتاً و بطور آشکار اظهار نمایم که تصمیم فوق در محافل شوروی کاملاً بطور «منفی» تلقی گردیده است. افکار عمومی شوروی بر این عقیده است که دولت جناب آقای ساعد بوسیله اتخاذ چنین رویه ای در باب دولت شوروی در راه تیرگی مناسبات بین دو کشور قرار گرفته است.

دولت جناب آقای ساعد بنوع تصمیم اتحادی خود هیچ دلیل قانع کننده ای نیاورده در صورتی که دلایل محکمی بر علیه تصمیم فوق وجود دارد که بمصالح مهم حیاتی اقتصادی و سیاسی ایران مربوط میباشد. میگویند که دولت جناب آقای ساعد انتظار دارد بعد از پایان جنگ با شرایط بهتری امتیاز را واگذار نماید اما دولت مزبور چه دلایلی را میتواند برای تأیید نمودن صحت نظریه خود بیاورد؟؟

این جانب شخصاً دارای اطمینان کامل میباشد که دوستی بین اتحاد جماهیر شوروی با ایران، آن دوستی که خوشبختانه در زمان جنگ بطور اکمل امتحان شده است، هیچچیز نمیتواند متزلزل گردد و آن کاری که برای طرفین دارای منافع بوده و باعث استحکام بعدی مناسبات دوستی بین اتحاد جماهیر شوروی و ایران گردد بطور مساعدی حل خواهد شد. و تمام موانع و اشکالات که در راه آن وجود دارد بر طرف خواهد گردید و ضمناً هم امیدوار میباشیم که افکار عمومی ایران که مطبوعات آزادی طلب ایران نماینده آن میباشد در پیشرفت اینکار سهیم خواهد بود.



مصاحبه مدیران جراید با کافتار اذره  
بعد از بیانات صفحه قبل آقای کافتار اذره در مقابل پرسشهای مدیران جراید پاسخهای ذیل را داد:

۱- سوال آقای عزت پور مدیر روزنامه «آزادگان»



آیا تصمیم دولت ایران درباره امتیاز نفت بر مناسبات بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی اثر بدی داشته است یا خیر؟  
جواب آقای کافتار اذره - مناسبات بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی کماکان دوستانه میباشد معذالک رویه غیر صمیمانه و غیر دوستانه ای که از طرف دولت ایران نسبت بدولت شوروی اتخاذ گردیده است همکاری نمایندگان دولت شوروی را در ایران با دولت آقای ساعد در آتیه امکان ناپذیر ساخته است.

آقای عزت پور مدیر آزادگان

۲- سوال آقای فروش مدیر روزنامه «نجات ایران»

آیا بین دول متفق در باره واگذاری امتیاز نفت بدولت شوروی در نواحی شمالی ایران مذاکراتی بعمل آمده است یا خیر؟

جواب آقای کافتار اذره - مذاکراتی راجع باین مسئله بعمل نیامده است کمسیون دولتی شوروی برای مذاکرات مستقیم با دولت ایران بایران اعزام گردیده است.

۳- سوال آقای جهانگیر تفضلی مدیر روزنامه «ایران ما»



آقای زین العابدین  
فروش مدیر جریده  
نجات ایران

چرا شرکت نفت خوریمان تاکنون شروع بکار نکرده است آیا خود دولت شوروی بجهاتی اینکار را نکرده و یا موانع دیگری وجود داشته است؟  
جواب آقای کافتار اذره - از بندو تاسیس شرکت مزبور ما با اشکالات و موانعی که از طرف



آقای تفضلی مدیر ایران ما

دولت ایران، بخصوص از طرف شاه سابق ایجاد میشده، مواجهه میکردیم این وضعیت تا اوائل جنگ کنونی وجود داشته است بدیهی است که دولت شوروی در موقع جنگ نمیتوانست با اندازه کافی شرکت فوق الذکر توجه نماید زیرا بگرهای بزرگتر و مهمتری که مربوط به جنگ است مشغول بوده است .

۴- شوال آقای شاهنده مدیر روزنامه «فرمان»

آیا قبل از مسافرت کمیسیون دولتی به نواحی شمالی ایران در باره واگذار نمودن امتیاز بدولت شوروی مذاکراتی بعمل آمده است یاخیر؟ و آیا قبل از این



آقای عباس شاهنده مدیر فرمان

مسافرت؛ دولت شوروی راجع به تصمیم دولت ایران مبنی بر اینکه مطالعه مسئله بدوره بهنگاز جنگ موکول شود مستحضر گردیده یاخیر؟ جواب آقای کافتارادزه - جواب منفی دولت ایران بعد از مدتی پس از مراجعت کمیسیون دولتی از نواحی شمالی ایران دریافت شده بود کمیسیون دولتی شوروی پس از مراجعت خود قبل از ملاقات با آقای ساعد نتایج مسافرت خود را بشمال ایران و همچنین اطلاعات خود را

در باره شرکت نفت خوریان بعرض دولت متبوعه خود رسانیده و از طرف آن دستوری دریافت نموده است که بدولت ایران در باره دریافت امتیاز برای کشف و استخراج

نفت در نواحی شمالی ایران پیشنهاد کند.

۵- پرسش آقای فاطمی مدیر روزنامه «باختر»



آقای حسین فاطمی مدیر باختر

اساس محاسبات امتیاز بر روی کدام واحد پول خواهد بود و مناسبات حقوقی و قضائی در قلمرو امتیاز چگونه خواهد بود؟ چه وقت دولت شوروی در نظر دارد با کشف و بهره برداری پردازد؟

جواب آقای کافتارادزه - واحد پول و مناسبات حقوقی و قضائی در قلمرو امتیاز موضوع

بحث آتی در مورد قرار داد خواهد بود.

برخی از روزنامه نگاران مایلند از چگونگی تأثیر تصمیم دولت ایران دائر برد پیشنهاد دولت شوروی در افکار عمومی شوروی اطلاع حاصل نمایند، این جانب باید خاطر نشان سازم که مطبوعات مسکونست به تصمیم فوق عکس العمل زیادی داشته است. روزنامه بزرگ پایتخت «تروود» در شماره ۲۲ اکتبر خود مقاله تحت عنوان «گفتار و کردار آقای ساعد» درج نموده است، تصمیم دولت ایران راجع به پیشنهادات دولت شوروی در روزنامه «پراودا» نیز منعکس و تفسیراتی درباره آن نوشته شده است.

۶ - سؤال آقای عمیدی توری مدیر روزنامه «داد»



چون آقای ساعد ضمن مذاکرات خود با خبر نگاران خارجی تذکر داد که به هیئت نمایندگی «مکو» به محض ورود و مذاکره در امکان بدست آوردن امتیاز جواب رد داده شد، خوبست توضیح داده شود چه موقعی آقای ساعد جواب منفی دادند؟

جواب آقای کافتارادزه - بعد از ملاقات اول با آقای نخست وزیر و تسلیم پیشنهاد این جانب چند ملاقات دیگری هم با آقای ساعد نمودم ضمن این ملاقاتها و مصاحبات اظهارات

آقای عمیدی توری مدیر «داد»

مثبت از آقای ساعد شنیده بودم ولی بعد از آنکه انتشاراتی دایر بساینکه دولت ایران تحت ریاست آقای ساعد مایل است مسئله را بطور منفی حل نماید این جانب از آقای ساعد تقاضا کردم که جواب صریح و آشکاری به پیشنهادات شوروی - بدهند فقط در همان هنگام از طرف آقای ساعد جواب داده شده بود که دولت ایران تصمیم گرفته است که مسئله را بنوره بعد از جنگ موکول سازد یعنی در حقیقت از واگذار نمودن امتیاز بنولت شوروی امتناع ورزیده است.

در پنجم آبان ۳۲۳ متینک مفصلی از طرف حزب «توده» در پایتخت داده شد این متینک بسیار که با شرکت «شورای منحنه کارگران» اجرا شدند

متینک «حزب توده»  
در پایتخت

کامیون از سر بلزان مسلح شوروی همراه داشتند شعراهایی که از طرف متینک دهندگان داده میشد غالباً بر علیه ساعد نخست وزیر و بر له در خواست نمایندگان اعزامی شوروی برای امتیاز نفت بود .

این متینک مخصوصاً بواسطه حمایت علنی سر بازار شوروی خیلی مورد تعجب و نفرت عمومی قرار گرفت و سروصداهای زیادی در جراید و محافل و حتی در مجلس شورای ملی ایجاد کرد بطوریکه میتوان گفت یکی از علل مهم عدم پیشرفت سریع « حزب توده » و خنثی شدن تبلیغات آنان همین موضوع بود .

چون لازم بود مجلس شورای ملی در مقابل دولت شوروی و اظهارات آقای کافتارادزه و نیز متینک روز جمعه پنجم آبان عکس العملی نشان دهد لذا

نطق اول دکتر مصدق  
در پاسخ کافتارادزه

دکتر مصدق با توجه بموقعیت کشور و کلیه جریانات در هفتم آبانماه ۱۳۲۳ نطق مشروح و مفصلی دایر بامتیاز نفت ایراد نمود که از روزنامه « مهر ایران » شماره ۷۷۵ مورخ هشتم آبان ماه در ذیل نقل میشود :

جهات فقیر سیاست شوروی  
در ایران

تاشهریور ۱۳۲۰ سیاست دولت اتحاد جماهیر شوروی در ایران محدود بود و اگر کسی میخواست سیاست و یا مرام آن دولت نزدیک شود بهجس یا نیر باران محکوم میشد و محکومیت ۵۳ هزار از روشنفکران

مملکت باین عنوان که صاحب مرام اشتراکی بوده اند حاکی از این مناسبت ولی از آن بعد بجهاتی که شرح میدهم سیاست آن دولت در ایران تدبیر کرد :

- ۱ - آلمان تصور نمیشود اگر بادولت شوروی جنگ کند مخالفین رژیم انقلاب کنند و حکومت « ساویت » را سرنگون نمایند معلوم شد که تصورات آن دولت مبنا نداشت و بر خلاف انتظار او دولت شوروی فاتح شد و غالب آمد .
- ۲ - دولت انگلیس که فرسنگها از نظر سیاست با دولت شوروی فاصله داشت برای جنگ با آلمان که دشمن مشترک بود بادولت شوروی پیمان اتحاد بست .
- ۳ - دولت شوروی که حاضر نبود يك مؤسسه تجارتمی بنام بانک استقراضی در ایران داشته باشد برای موازنه سیاسی صفحات شمال ایران را اشغال نمود و همان استفاده ای که دولت انگلیس از قرارداد مالی با ایران نمیشود اوهم کرد .
- تصرف شمال ایران برای این نبود که از ورود قشون آلمان جلو گیری کند بدیهی است تا آلمان از قفقاز نمی گذشت وارد ایران نمیشد بلکه برای این بود که دولت انگلیس بتواند ستون بنجم و تأمین عبور مهمات که از طریق ایران بروسه میرفت صفحات شمالی ایرانرا اشغال نکند و خود را ببعادن نفت قفقاز نزدیک تر نماید .
- ۴ - مردم تصور میکردند اگر قشون سرخ وارد ایران شود ابقاء بهیچ چیز نمیکند سیاست عاقلانه زمامداران شوروی از مردم رفع این نگرانی را کرد :

### انتقاد از رویه زمامداران سوم شهریور

پس وقتی که «وضعیت سیاسی» ما بعد از شهریور ۱۳۲۰ تغییر کرد «سیاست» ما هم باید تغییر کند از شهریور بعد هر چه دولتین متفقاً خواسته و هر چه هر کدام منفرداً کردند و یا تقاضا کردند

ما هیچ نکستیم و قبول نمودیم - عدم اعتراض و قبول تقاضای هر یک از طرفین بطرف دیگر حق داد که خود را مشمول اصل دول کامل الوداد کند - یک روز زمامداران ما میگفتند که سیاست در این مملکت یکی است و هر چه میگویند ما باید بکنیم، گرچه این حرف از زمامداران وطن پرست پذیرفته نیست.

آنهايي که طالب ترقی و تعالی سپهتند با هر سیاستی که در مصالح وطن نیست مبارزه می کنند و دولت ما آنقدر عوض میشود تا حریف را از میدان دور کند. ولی امروز معلوم نیست که دولت ها بچه عذری متعذرند و چرا انجام وظیفه نمی کنند؟

ما باید همان سیاستی را پیروی کنیم که نیاکان ما میگرداند، اگر معلومات آنها بقدر ما نبود ایمانشان از ما بیشتر بود و بهمین جهت توانستند که متجاوز از یک قرن مملکت را بین دو سیاست حفظ کنند و برای ما ذخایری بگذارند که امروز مورد توجه و نظر واقع شود.

می گویند که در کنفرانس صلح می خواهند ایجاد مؤسسه ای کنند که عدالتش عالم گیر شود تا اینکه دول بزرگ نتوانند دول کوچک را بنده خود کنند و اینکه شرکت های هواخواه امتیاز در کار عجله نمودند برای این است که میخواستند تا آن مؤسسه ایجاد شده کار تمام شود.

من کاری بصحت و سقم این خبر و اینکه مؤسسه هم میتواند از مطامع نوع بشر جلوگیری کند یا نکند ندارم فقط عرض میکنم اگر آقای سهیلی که پیشنهاد تحت را اول ایشان بجزریان انداختند

### پیشنهاد آمریکائیا برای حفظ

و آقای ساعد نخست وزیر فعلی شرکت امریکایی گفته بودند مادام که جنگ تمام نشده و مادام که قشون آمریکا از مملکت خارج نشده دولت داخل در مذاکره نمیشود سفارت امریکا چه می گفت و چه می کرد؟

پس آنجائی هم که ما میتوانیم منافع مملکت را حفظ کنیم از شدت ضعف نفس و عشق و علاقه بکارچنان جاخالی میکنیم که حریف هر چه میخواهد بکند!!

آن نصحت و زیری که غیر از منافع شخص خود نظری ندارد و آن نصحت و زیری که غیر از سکونت در وزارت خارجه هدفی ندارد مملکت را بجائی میرساند که روزگارش از اینهم بدتر شود.

اگر نصحت وزیران ما پیشنهاد شرکت را مورد توجه قرار نمی دادند و اگر دولت آمریکا نیزخواست قبل از کنفرانس صلح کار تحت تمام شود دول شوروی هرگز از ما تقاضای امتیاز نمی کرد - وقتی که از آن طرف دنیا دولت امریکا تقاضای امتیاز کند دولت شوروی که همسایه ماست چرا نکند؟

آنهايي که میگویند اعطای امتیاز به شرکت های تابعه دولت امریکا از این لحاظ که آن دولت با ما مجاور نیست خالی از ضرر است در اشتباهند. تنها عدم مجاورت دلیل نیست که

فرار داد نفت داری ۱۶۸

دادن امتیازیان دولت و یا بشرکت امریکایی برای ماضر نکند، امریکادولتی نیست که مجاورت یا عدم مجاورت آن باما فرق کند .

دولت متحده آمریکا شمالی از دولت بزرگ دنیا است و با هر یک از مجاورین مسکه توجید مساعی نمود سبب نگرانی مجاور دیگر است .

اگر دولت میخواست بشرکت امریکایی امتیاز دهد چرا از یک ملک بیطرف متخصص نخواست و از خود آمریکا استخدام کرد؟ و اگر با دادن امتیاز موافق نبود و یا اینکه میخواست بعد از جنگ داخل مذاکره شود چرا چندین هزار دلار خرج متخصص نمود و چرا کاری که میبایست اول بکند آخر کرد؟!

چون جناب آقای «کافارادزه» معاون کسب‌وکاری ملی امور خارجه شوروی در کنفرانس مطبوعات که در سفارت کبرای خودشان تشکیل شد پیشنهاد خود را برای امتیاز معادن نفت شمال اینطوری بیان فرموده‌اند :

«دیدهبی است که صاحب امتیاز پرداخت‌های تنی و پرداخت‌های از روی منافع و همچنین مبالغی را که در قرار داد بجای معاف شدن از پرداخت مالیات مشروط گردد تأدیه خواهد نمود ضمناً دولت اتحاد جماهیر شوروی حاضر است پرداخت‌های حداقل امتیاز را که تعیین خواهد گردید تضمین نماید صاحب امتیاز متعهد خواهد بود که مواد نفتی را با شرایط استثنائی چه برای احتیاجات دولت و چه برای احتیاجات اهالی کشور ایران بدهد الی آخر...» که تمام کبیله «قرارداد جدید نفت جنوب» است و فقط از طیاره و راه آهن و بی سیم قرارداد نفت جنوب که غیر از امور اقتصادی در امور سیاسی هم میتوان از آنها استفاده کرد اسی برده‌اند لذا لازم میدانم که نظریات خود را در قرار داد مزبور عرض کنم تا از ایشان و کسانی که تصور نموده‌اند در منافع ایران منعقد شده است دفع اشتباه شود - در ۲۸ مه ۱۹۰۱ دولت ایران به «داری» حق داد که برای مدت ۶۰ سال در

سابقه تاریخی  
امتیاز نفت جنوب

تمام ایران غیر از ۵ ایالت : گیلان - مازندران - خراسان - آذربایجان و استرآباد، مواد نفتی استخراج کند و تا خلیج فارس حق انحصار لوله نفت داشته -

باشد و ۲۰ هزار لیره نقد و ۲۰ هزار لیره هم از اولین شرکتی که تشکیل میشود اسهام بدهد و پس از شروع به بهره برداری صدی ۱۶ از عایدات خالص تمام شرکت هائی که برای استفاده از نفت تشکیل میشود از بابت حق الامتیاز بپردازد .

و بر طبق ماده ۱۵ قرار داد «تمام ابنیه و ماشین آلات پس از ۶۰ سال مجاناً و بلا عوض حق دولت ایران باشد .»

چنانچه اختلافی بین دولت و صاحب امتیاز روی دهد هر یک از طرفین يك نفر «حکم» و آنها هم يك «سر حکم» معین کنند و رفع اختلاف را بشنایند این بود نکات برجسته امتیاز داری ....

تا وقتی که شروع به بهره برداری نشده بود صاحبان اسهام انتظاری نداشتند و لسی از ۱۹۱۶ که سود کار بین آنها تقسیم شد دولت هم حق خود را مطالبه می نمود ولی بهماذیری که شرح داده -

امتناع کمپانی  
از تأدیه حق الامتیاز

میشود کمپانی از تأدیه حق الامتیاز امتناع میکرد . در آن جنگ که نفت کمک بررگی بیعربیه انگلیس مینمود و خرابی مؤسسات نفتی

۱۷۰ هدم برداشت حوالا متبار

مواضعی برای پیشرفت متفقین (دولت انگلیس و روس تزاری و شرکاء) بوده تا آنجا که مسکن بود دولت انگلیس از عملیات متعین «آلمان و ترکیه شرکاء» جلوگیری نموده و ترکها فقط توانستند که قسمتی از لوله را بدست عشاری معطلی خراب کنند.

نتیجه این شد که کمپانی باستاناد ماده ۹۴ قرارداد راجع بحمايت دولت از موسسات هفتی کمپانی مبلغ ۱۰۰ هزار لیره برای تعمیر لوله و متجاوز از ۵۹۴ هزار لیره برای کار تکرر آن در چند ماهه مطالبه خسارت کند.

راجع بلوله نظر دولت این بود که بیش از ۲۰ هزار لیره خرج تعمیر آن نشده و در باب خسارت از تعطیل کار هم بطوریکه رئیس کمپانی در ۲۰ دسامبر ۱۹۱۵ دو مجمع عمومی شرکت اظهار نموده علت تعطیل کار بیشتر راجع بقندان و سابل نقلیه بوده که دولت انگلیس برای عملیات جنگی خود در شرط دجله، کشتی های رود کارون را مصادره نمود و الا چه موجبی داشت که تعمیر لوله چند ماه طول بکشد و کمپانی بواسطه تاخیر کار زیاد متضرر شود. کدام دولت از عهده خسارت حادث از جنگ و «فورس مازر» برآمده که دولت ایران از خسارت شرکت نفت انگلیس و ایران برآید.

دولت میگفت که قرارداد برای رسیدگی باختلافات طرفین مرجعی معین نموده که حکمیت است و کمپانی در مراسله ۲۴ و ۱۹۱۷ چنین اظهار نمود: اگر حکمیت برای تعیین مبلغ خسارت کمپانی قبول میکند ولی اگر برای این است که حکمها بگویند کمپانی حق مطالبه خسارت دارد و باینکه این کار از صلاحیت حکمیت خارج است.

بجایاتی که ذکر شد و بعنوان اینکه خوانین بختیاری از بابت حق الارض خود صدی ۳ از عایدات را گرفته اند مدت ۵ سال کمپانی بدو ات چیزی نپرداخت در صورتیکه بر طبق قرار داد کمپانی نمی بایست بخوانین بختیاری صدی ۳ از عایدات بدهد بلکه هر جا که باراضی مردم احتیاج داشت می بایست معامله کند و مطالبه آنچه را که بخوانین بختیاری داده بودند از دولت مبتا و مدرك نداشت.

کابینه «و ثوق الدوله» که قرار داد را تصویب نمود برای اجرای مقررات مالی آن «آرمیتاز اسیت» از لندن بایران آمد و بعد که مرحوم مشیر الدوله دولت را تشکیل داد چون نیخواست که مستشار

### قرارداد با کمپانی آرمیتاز اسیت

انگلیسی در مالیه ایران دخالت کند او را برای تصفیه محاسبات کمپانی بلند فرستاد.

وزارت مالیه باو دستور داده بود که از حدود امتیاز نامه تجاوز نکند و هر چه می نماید با آن تطبیق کند ولی چون «آرمیتاز» خود را مستشار قرار داد میدانست دستور دولت را اجرا نکرد و در ۲۲ دسامبر ۱۹۲۰ قراردادی که مخالف با امتیاز نامه بود با کمپانی منعقد کرد که تغلفات عمده آن بشرح ذیل است:

۱ - بر طبق قرارداد دولت حق داشت که از تمام شرکت های اصلی و تاجه صدی ۱۶ از عایدات خالص را بخواند ولی او شرکت های حمل و نقل را مستثنی کرد.

۲ - بر طبق قرار داد اختلافات بین دولت و کمپانی را می بایست سه نفر «حکم» قطع کنند ولی آرمیتاز اختلافات ناشیه از محاسبات را بحکمیت يك محاسب انگلیسی معول کرد.



آقای و ثوق الدوله عماد  
قرارداد ۱۹۱۹

پرداختی های کمپانی در مدت ۱۱ سال ۱۳۱

آرمیتاژ برای رسیدگی به حساب کمپانی «مک لین تک» متخصص انگلیسی را تعیین نمود ولی کمپانی از اینکه او به حساب تمام شرکتهای رسیدگی کند خودداری کرد با این حال «مک لین تک» در محاسباتی که تفتیش کرده بود مبالغی بفرع دولتی کشف کرد و نتیجه این شد که کمپانی از مطالبه صدی ۳ عایدات خوانین بختیاری صرف نظر کند و مبلغ یک میلیون لیره از بابت مطالبات ۵ ساله دولت تا اول سال ۱۹۲۰ بپردازد، دولت مبلغ مزبور را قبول نمود ولی بهر حال داد «آرمیتاژ» که برخلاف دستور و مخالف امتیاز نامه منعقد شده بود همیشه اعتراض کرد

خلاصه اینکه تا ۱۹۲۰ محاسبه کمپانی دولت گذشت و از ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ مدت ۱۱ سال کمپانی از بابت حق الامتیاز مبلغ ۹/۶۳۲۰۰۰ لیره بشرح ذیل پرداخت :

### حق الامتیاز پرداختی کمپانی در ظرف ۱۱ سال

۱۹۲۰	۴۶۹۰۰۰۰ لیره
۱۹۲۱	۵۸۵۰۰۰۰
۱۹۲۲	۵۹۳۰۰۰۰
۱۹۲۳	۵۳۳۰۰۰۰
۱۹۲۴	۴۱۱۰۰۰۰
۱۹۲۵	۸۳۹۰۰۰۰
۱۹۲۶	۱۰۵۴۰۰۰۰
۱۹۲۷	۱۴۰۰۰۰۰۰
۱۹۲۸	۱۰۳۱۰۰۰۰
۱۹۲۹	۱۲۸۸۰۰۰۰
۱۹۳۰	۱۴۳۷۰۰۰۰
جمع کل	۹۶۳۲۰۰۰۰

همانطور که یک مستاجر از عین متاجره فایده برد تلاش میکند که مدت اجاره را تمدید کند کمپانی هم از آنوقت که بخت ایران امیدوار شده مقصودی جز این نداشت

### جریان لغو امتیاز داری و منظور اساسی از این عمل

و چون در عراق هم همین کمپانی که بنام «شرکت نفت خاقین» است مدت امتیاز را ۳۵ سال تمدید نمود در ایران هم باید طرحی بکار برد که این موفقیت را تحصیل کند بدیهی است که تا وقتی بدولت عایداتی میداد دولت حرفی نمیزد ولی سال ۱۹۳۱ که ربح عایدات سال ۱۹۳۰ را هم نداد فقط ۳۰۷۰۰۰ لیره پرداخت صدای دولت درآمد دولت که از کمپانی راضی نبود برای تخطفات او از قرارداد چه بایست میکرد ؟

بر طبق امتیاز نامه میبایست «حکم» خود را تعیین کند اگر کمپانی از تعیین «حکم» خود امتناع می نمود آنوقت قرارداد را الغاء کند ولی دولت قبل از اینکه «حکم» تعیین کند و کمپانی از مقررات امتیاز نامه راجع بحکمیت تخلف نماید قرارداد را الغاء و تجدید امتیاز را با و پیشنهاد کرد !!

کمپانی اعتراض نمود و تقاضا کرد دولت از رویه خود صرف نظر کند، اگر دولت موافقت نمیکرد نتیجه این بود که قرارداد اجزاء شود و کار بحکمت خاتمه یابد و اگر مقصود



کمیانی این بود چرا در جامعه ملل اظهار نکرده؟

پس باید قبول نمود که اعتراض کمیانی جدی نبود و دولت هر اقدامی که می نمود بر طبق نظریات او میگرد. از نظر «مصلح مملکت» دولت با کمیانی رفتار نمود و نسبت بانقای امتیاز و تجدید امتیاز نامه اصرار میکرد، دولت انگلیس هم مجبور شد از کمیانی حمایت کند و بیسولت ایران مهلت دهد که اگر تا يك هفته مراسله ای که به کمیانی نوشته بود مسترد نکند موضوع را در «دیوان داوری بین المللی لاهه» مطرح کند و چون باستاد ماده ۳۶ اساسنامه دیوان مزبور، «صلاحیت محکمه شامل تمام مسائلی است که طرفین به آن رجوع میکنند...» و دولت ایران که مراجعه نکرده بود دیوان مزبور مرجع نباشد لذا دولت انگلیس باستاد ماده ۱۵ اساسنامه جامعه ملل که هر وقت اختلافی بین اعضاء جامعه روی دهد و بعد از برسد

### طرح قضیه نفت در شورای جامعه ملل

که بقطع روابط منجر شود شورا باید دخالت نماید بشورا مراجعه کرد.  
در ۱۸ دسامبر ۱۹۳۲ رئیس شورای جامعه ملل تلگرافی بدولتین نمود و آنها را با احتراز از هر عملی که موجب تشدید اختلاف شود دعوت کرد

دولت ایران دعوت شورای جامعه ملل را قبول کرد و مرحوم داور وزیر عدلیه و آقای حسین علاء رئیس بانک ملی ایران را بجامعه ملل اعزام و دولت انگلیس هم آقای «سورسامون» وزیر خارجه را بنماینده کی خود معرفی کرد.

شورای جامعه پس از استماع اظهارات نمایندگان دولتین مذاکرات را بوقت دیگر محول نمود تا آقای «بنش» وزیر خارجه چکسلواکی بتواند مطالعات کافی تر کتبی گزارش خود را بشورا تقدیم نماید.

آقای «بنش» هم صلاح اینطور دانست که طرفین با مواد ذیل موافقت کنند و پس از موافقت بتصویب شورا رسید:

- (۱) - طرفین موافقت نمودند که موضوع را تا جلسه مه ۱۹۳۳ در شورا مکوث بگذارند و در صورت لزوم در تمديد موافقت نمایند.
- (۲) - طرفین موافقت نمودند که کمیانی فوراً با دولت ایران داخل مذاکره شود و این موافقت خللی باده و براهین آنها نمیرساند.
- (۳) - طرفین موافقت نمودند که باده و براهینی که بشورا کتباً داده و شفاهاً اظهار نموده اند خللی نمیرسد و چنانچه مذاکرات راجع بامتیاز جدید بلا نتیجه ماند مطلب دوباره در شورا طرح شود و هر يك از طرفین آزاد است که از نظریات خود دفاع کند.
- (۴) - چنین است بر طبق قولهایی که در ۱۹ دسامبر ۱۹۳۲ رئیس شورای جامعه داده شده تا مدتی که مذاکرات در جریان است و نیز تا خاتمه عمل کارها و عملیات کمیانی



آقای علاء رئیس بانک ملی      مرحوم داور وزیر عدلیه

دو نفر بالا هنگام طرح قضیه نفت در شورای جامعه ملل  
سخت نمایندگی ایران را عهده دار بودند

دو ایران مثل قبل از ۲۷ دسامبر ۱۹۳۲ در جریان خواهد بود .  
و بین طرفین معرزه شد که نه تنها راجع بامور گذشته بلکه راجع بامتیاز جدید هم  
باید مذاکرات لازمه بعمل آید .

خلاصه اینکه دولت ایران و کمپانی هر دو خوشوقت و غالب از شورای  
جامعه ملل خارج شدند !  
کمپانی خوشوقت بود که میتواند ۴۴ سال دیگر مدت امتیاز را تمدید کند  
دولت ایران هم خوشوقت بود که بطرف فایق شده و امتیاز را الغاء  
نموده است .

مذاکرات در طهران بین دولت و رئیس  
کمپانی لغت شروع و در هفتم خرداد ۱۳۱۲ ( ۲۹  
آوریل ۱۹۳۳ ) امتیاز نامه جدید امضا شد .  
دولت ایران نتیجه را بدینر خانه جامعه ملل

### نتیجه مذاکرات در تهران باعتیاز نامه جدید

اطلاع داد و شورا از تلگراف وزیر خارجه ایران  
اتخاذ سند کرد .

از نظر منافع و مضار برای امتیاز نامه جدید  
باید دو دوره قائل شد :

دوره اول که از تاریخ امضای آن شروع  
و تا اقبضای مدت قرار داد داری خاتمه مییابد .  
در این مدت دولت ناچار بود که خوب یا بد  
آن را اجرا کند چنانچه در این مدت شرایط امتیاز -  
نامه جدید بحال ملکیت مفید تر است امضا کننده  
خدمتی بسزا نموده است .

دو دوره دوم که از اقبضای مدت امتیاز نامه  
داری شروع و در ۱۹۹۳ ختم میشود دولت تمهیدی  
نداشت که کمپانی حقی داشته باشد در این صورت نباید  
گفت که کمپانی بدولت چیزی داده بلکه از ضروری  
که به ملت رسانیده باید جامعه را آگاه کرد .

دوره اول ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ تا ۲۱ مه ۱۹۶۱

امتیاز نامه جدید دارای ۲۷ ماده است که  
مواد مهم آن مربوط است بحق الامتیاز و مالیات  
و عوارض دولتی و غیره که هر یک را جدا گانه عرض مینمایم .

دکتر پیش ققید وزیر خارجه چکوسلوواکی  
و مدیر شورای جامعه ملل هنگام طرح  
مسئله لغت جنوب

۱ - حق الامتیاز - قرار داری سهمیه دولت ایران را صدی ۱۶ از کل عایدات  
خالص شرکت های اصلی و تاجیه قرارداد در صورتیکه قرارداد جدید آنرا تغییر داده و ماده  
۱۰ آن از این قرار است :

« مبالغی که بر حسب این قرارداد از طرف کمپانی باید بدولت تأدیه شود ( علاوه بر  
مبالغی که در موارد دیگر پیش بینی شده ) بشرح ذیل تعیین میگردد :

« الف » حق الامتیاز سالیانه که از اول ژانویه ۱۹۳۳ شروع میشود و مبلغ  
چهار شلینگ برای هر تن نفتی که برای مصرف داخلی در ایران بفروش برسد و بازار ایران

صادر شود.

«ب» پرداخت مبلغی معادل یا ۲۰ درصد آنچه اضافه بر ۶۷۱۲۵۰ لیره به صاحبان سهام عادی کپانی نفت انگلیس و ایران محدود توزیع میگردد... الی آخر»  
برطبق این ماده حق الامتیاز دولت از دومر برداشته میشود از هر تن نفتی که از ملکیت خارج شود و یا در خود ملکیت مصرف برسد ۴ شلینگ و از منافع خالص که باید بین صاحبان سهام تقسیم شود اول ۶۷۱۲۵۰ لیره برای صاحبان سهام عادی موضوع میکنند پس از آن صدی ۲۰ آنرا برای حق الامتیاز بحساب دولت ایران میگذازند.  
جزء - ج - ماده ۱۰ برای عایدات سابقه دولت حد اقلی قائل شده که از این قرار است:

«مجموع میالنی که برای هر سال مسیعی بر حسب جزء های الف و ب از طرف کپانی بدولت ایران تأدیبه میشود نباید هر گز از ۷۵۰ هزار لیره کمتر باشد» که بقیده من این حد اقل برای ما مفید نیست و باید دانست که دولت از صدی ۱۶ عایدات خالص بیشتر استفاده می نمود یا از ۴ شلینگ برای هر یک تن نفت - چون قبل از قرارداد جدید کپانی حاضر - بود برای هر یک تن نفتی که بفیارج حمل یا در داخل ملکیت مصرف میشود ۵ شلینگ بنسبت بشرط اینکه برای حق الامتیاز حد اقلی تعهد نکند.

بنابر این اخذ ۴ شلینگ از هر تن و تعیین ۷۵۰ هزار لیره بعنوان حد اقل در صلاح ملکیت نبوده است و بطوریکه عرض شد از ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ به حد متوسط در هر سال ۸۷۵ هزار لیره بدولت رسیده که از حد اقل کپانی ۱۲۵ هزار لیره بیشتر است و با تردیدی هم که در این حد متوسط هست بهتر این بود که یا حد متوسط عایدات ۱۱ ساله را مأخذ قرار دهند و یا از حد اقل صرف نظر کنند و بجای ۴ شلینگ از هر یک تن نفت ۵ شلینگ برای حق دولت تعیین نمایند.

تعیین حد اقل بیشتر از این نظر است که دولت در محاسبات کپانی نفتیش نکند و برای هر سال مبلغی سر بسته بگیرد و بی کار خود برود و هر وقت هم که اختلافی بین کپانی و دولت روی داده است بدون اینکه در حساب وارد شوند و سر از کار کپانی در آورند مبلغی مقطوعاً پرداخته است که اینک از بابت محاسبات ۵ ساله تا ۱۹۲۰ یک میلیون ریال و از بابت حق الامتیاز ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ نیز به همین طریق عمل کرده است - ماده ۲۳ امتیاز نامه جدید از اینقرار تنظیم شده:

«از برای تصفیه کلی تمام دعاوی گذشته دولت از هر قبیل تا تاریخ اجرای این قرارداد (باستثای آنچه مربوط به مالیات های ایران است) کپانی بشرح ذیل اقدام میکند:

«الف» بمفاصله ۳۰ روز از تاریخ مذکور مبلغ یک میلیون لیره استرلینسک خواهد پرداخت.

«ب» مبالغ لازم التادیبه بدولت را بابت عمل کرد سنوات ۱۹۴۱ و ۱۹۳۲ بر مبنای مذکور در ماده ۱۰ این قرارداد نه مطابق اساس امتیاز داری پس از وضع ۲۰۰ هزار لیره استرلینسک که بر رسم مساعده در ظرف سه ۱۹۳۲ بابت حق الامتیاز پرداخته و ۱۱۳۴۰۲ لیره و ۳ شلینگ و ده پنی که باختیار دولت قبلاً و دیبه گذارده شده تصفیه و تأدیبه خواهد کرد.

و اینکه در (جزء ب فوق الذکر) کپانی از اساس امتیاز نامه داری امتناع نموده و

اساس ماده ۱۰ امتیازنامه جدید را قبول میکنند افزوی دلیل است که اساس امتیازنامه داری برای دولت نافعتر است .

### مالیات و عوارض نفت

موضی که بنداری امتیاز داده شد در ایران غیر از گمرک و مالیات ارضی مالیات دیگری نبود. امتیازنامه کمپانی را از گمرک صادرات و واردات معاف نمود. قانون ۱۲ فروردین ۱۳۰۹ که تصویب شد بر طبق ماده ۲ آن دولت از عوائد خالص کمپانی که از عملیات یا محصولات بدست آمده در ایران تحمیل میکند مالیات صدی ۴ مطالبه نمود .

کمپانی امتناع میکرد تا اینکه ماده ۱۱ قرارداد جدید هر گونه مالیات و عوارضی که کمپانی باید بدهد بطریق ذیل قطع نمود . کمپانی برای مدت ۳۰ سال اول عملیات خود در ایران از پرداخت هر گونه مالیاتی که دولت و ادارات محلی قبلاً بر قراردادها در آتیه وضع شود معاف خواهد بود در عوض مبالغ ذیل را بدولت تأدیه خواهد نمود :

(الف) در مدت ۱۵ سال اول این قرارداد بتاریخ ۲۸ فوریه هر سال و برای اولین مرتبه در ۲۸ فوریه ۱۹۳۴/۹ پنس بابت هر تن از ۶ میلیون تن نفتی که بابت سه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزو (۱ الف) ازماده ۱۰ میگردد و ۶ پنس بابت هر تن نفت اضافه بر رقم ۶ میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود .

(ب) کمپانی تأمین میکند مبالغی را که بر طبق جزء های فوق الذکر تأدیه مینماید هیچوقت از مبلغ ۲۲۵ هزار لیره استرلینگ کمتر نباشد .

(ج) در مدت ۱۵ سال بعد يك شلینگ بابت هر تن از ۶ میلیون تن نفتی که بابت سه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزو (الف) ازماده ۱۰ میگردد و ۹ پنس بابت هر تن نفت اضافه بر رقم ۶ میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود .

(د) کمپانی تضمین میکند مبالغی را که بر طبق جزء (ج) ماقبل تأدیه مینماید هیچوقت از ۳۰۰ هزار لیره استرلینگ کمتر نباشد



با بر آنچه مذکور شد برای مدت ۳۰ سال اول کمپانی حد اقلی بسرای هر نوع مالیاتی تعهد نموده و آن مبلغ ۲۶۲۵۰۰ لیره است و برای سی سال دویم قسمت آخر ماده ۱۱ اینطور میگوید :

( قبل از سنه ۱۹۶۳ راجع به میزان مبالغی که کمپانی در ازای معافیت کامل عملیات خود در ایران از پرداخت هر گونه مالیاتی بفتح دولت و یا ادارات محلی در مدت ۳۰ سال دوم که منتهی به ۱۹۹۳ میشود باید بپردازد طرفین توافق نظری حاصل خواهند نمود.) نتیجه اینکه تا سال ۱۹۶۳ کمپانی از هر قانونی که وضع شود خصوصاً از صدی ۸۰ قانون جدید مالیات بر درآمد معاف است و از آن بعهده هم کمپانی برای خود و این مردم فکری خواهد کرد.

### ۳ - جلوگیری از گرانفروشی

ماده ۱۹ امتیازنامه جدید مقرراتی وضع نموده که از اینتر است :

در اول ژوئن هر سال کمپانی معدل قیمت های (فوب) رومانی را راجع به بنزین و نفت لامپ و مازوت و معدل قیمت های (فوب) خلیج مکزیک راجع به باریک از مواد مذکور

نسبت به مدت ۱۲ ماه گذشته از تاریخ ۳۰ آوریل معین خواهد کرد، نازلترین معدلهای مذکور امتیاز و (اساس قیمتها) برای سالی که از اول ژوئن شروع میگردد قرارداد داده میشود قیمتهای اساسی بمنزله قیمت در تصفیه خانه تلقی میگردد»

برطبق قسمت آخر ماده ۱۹ کیپانی قیمتهای فوق متعارج خفیف حمل و نقل و توزیع و فروش و همچنین مالیات و عوارض موضوعه محصولات مزبور را اضافه میکند و بدولت برای احتیاجات خود ولی نه برای فروش بدیگران با تخفیف ۲۵ و بسیار مصرف کنندگان با تخفیف ۱۰ میفروشد. باید دانست که احتیاجات دولت بر دو قسم است برای اموری که دولت به سمت نماینده قوای عمومی تصدی میکند: *Acte d' autorité* مثلا مصرف نفت در بحریه و برای کارهایی که دولت از نظر اقتصادی مباشرت مینماید *Acte de gestor* مثلا راه آهن و چراغ برق و غیره. اما چنانچه قسمت اخیر مشمول تخفیف ۲۵ نباشد گذشت کیپانی بسیار کم است و تخفیف ۱۰ بسیار مصرف کنندگان هم با رقابت نفت شوروی مؤثر نیست وقتی که نفت قفقاز در جنوب ایران از شمال از تر فروخته شود کیپانی نفت چطور میتواند که قیمتها را بالا برده ای کاش همان ملاحظه ای کیپانی از دولت انگلیس میکند از دولت ایران که نفت مال اوست میبرد بنا باظهارات جناب مستر چرچیل وزیر دیپاداری انگلیس: «صرفه جویی بحریه انگلیس تا ۱۹۲۵ بواسطه تخفیفی که کیپانی بآن دولت داده ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار لیره بوده» که بضرر دولت ایران و شرکاء تمام شده است.

۴ - حکمیت ماده ۲۲ امتیازنامه جدید برای تشکیل محکمه و جریان معاکه آیین نامه مفصلی تنظیم نموده که نوانس قرارداد داری را رفع نموده است ولی ماده ۲۶ راجع به صلاحیت محکمه روشن نیست و چون ۵۰ سال دیگر با تقاضای معیت امتیازمانده است هر گاه آقای قهی زاده که امتیازنامه را امضاء نموده اند و اطلاعات و سوابق زیادی در امور نفتی دارد نظریات خود را از تنظیم ماده مزبور اظهار کنند ظن قوی آن است که پاس حقوق ایشان کیپانی موافقت کند و در موقع استناده ایجاد اختلاف نشود و ماده ۲۶ از این قرار است:

«قبل از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ این امتیاز نمیتواند خانه پیدا کند مگر در صورتیکه کیپانی مطابق ماده ۲۵ آنرا ترک کند و یا آنکه محکمه حکمیت بر اثر ارتکاب تخلفی از طرف کیپانی نسبت به اجرای مقررات این قرارداد ابطال آنرا اعلام بدارد.»  
تخلف به معنای مذکور در فوق منحصر ببولرد ذیل است:

الف - هر گاه مبلغی که بر حسب رأی محکمه حکمیت باید بدولت پرداخته شود تا یکماه بعد از تاریخ صدور رأی تأدیه نگردد.

ب - هر گاه تصمیم بر انحلال اختیاری و یا اجباری کیپانی گرفته شود.  
در مورد تخلفاتی که نسبت به مقررات این قرارداد از هر یک از طرفین ناشی شود محکمه حکمیت درجه مسئولیتها و اثرات مترتبه بر آن را تعیین خواهند نمود.

دوره دوم ۱۹۶۱ - ۱۹۶۴

برطبق امتیازنامه داری سال ۱۹۶۱ که قرارداد منتضی میشود کلیه اموال شرکت منعلق بدولت ایران است. دو امتیازنامه جدید هم مقررات ماده ۲۰ از این قرار است:

الف - در مدت ده سال آخر امتیاز و یا در فاصله ۲ سال پس از اطلاع قبلی که راجع بترک امتیاز مطابق ماده ۲۵ داده میشود کیپانی جز بشر کتبهای تابع خود حق فروش یا انتقال بک یا چندین قسمت از اموال غیر منقول خود را که در ایران موجود است ندارد.

در مدتهای مذکور نیز کمیانی حق انتقال و خارج کردن هیچ قسمتی از اموال منقول خود را ندارد مگر اینکه اشیاء مزبور از حیز انتفاع افتاده باشد.

ب - در تمام مدت قبل از ۱۰ سال آخر امتیاز هیچ قطعه ای از اراضی را که کمیانی مجاناً از دولت تحصیل کرده است نمیتواند انتقال دهد و همچنین هیچیک از اموال منقول خود را نیز باستانای آنچه غیر مفید و بیابنکه دیگر مورد احتیاج عملیات کمیانی در ایران نیست نمیتواند خارج نماید.

۲ - در موقع ختم امتیاز خواه این ختم بواسطه انقضای عادی مدت و یا بهر نحو دیگری پیش آمد کرده باشد تمام دارائی کمیانی در ایران بطور سالم و قابل استفاده بدون هیچ مخارج و قیدی متعلق به دولت ایران میگردد.

۳ - جمله تمام دارائی مشتمل است بر تمام اراضی و ابنیه و کارخانها و ساختمانها و چاهها و سد های دریائی و راهها و لوله های حمل نفت و پلها و رشته تق های فاضل آب و وسایل توزیع آب و ماشین ها و مؤسسات و تجهیزات از آن جمله آلات و ادوات از هر قبیل و تمام وسائط نقلیه (مثلاً از قبیل اتوبوس و گاری و آتروپلان) و تمام اجناس انبار شده و سایر اشیائی که کمیانی در ایران برای اجرای این امتیاز از آن استفاده مینماید.

باید دانست که این ماده و نظیر آن که در تمام امتیاز نامهها هست از چه نظر تنظیم شده و همانطور که ملك خرابی را مالك بشن بخش اجاره میدهد که در مدت اجاره مستأجر با سرمایه خود قنات آنرا آباد کند و سکنائی که لازم است در آن بسازد، رعیت بیاورد و آنرا قابل کشت و زرع کند و در مدت اجاره از آن استفاده نماید و در انقضای آنرا بمالك آباد تحویل دهد و از آن بحد تمام عایدات ملك یعنی مال الاجاره سابق و نفی که مستأجر از آن میبرد متعلق بمالك شود و مستأجر برود و جای دیگر برای خود تهیه کار کند.

همانطور هم امتیازاتی که دولتها می دهند، صاحبان امتیاز تمام حسابهای خود را میکنند دانسته و فهمیده سرمایه خود را بکار میبرند و بجای اینکه اگر سرمایه را بیک بانک بدهند و بیش از صدی ۴ از آن استفاده نکنند تا صدی ۲ هم که در سال ۱۹۲۹ کمیانی نفت ایران و انگلیس بهره داد از آن استفاده میکنند و در آخر مدت هم برای نفع سرشاری که برده اند از امتیاز دهنده تشکر میکنند و مورد امتیاز را با تمام لوازم و اسباب کار باو تحویل میدهند. و برای خود فکر کار دیگری میکنند.

اگر امتیاز داری تمدید نشده بود در سال ۱۹۶۱ دولت نه تنها بعدی ۱۶ عایدات حق داشت بلکه صدی صد عایدات حق دولت بود.

نتیجه تمدید امتیاز نفت جنوب

فرض کنیم که عایدات دولت در مدت ۳۲ سال که تمدید شده هیچوقت از ۷۵۰ هزار لیره که کمیانی برای حداقل معین نموده بیشتر نشود و باز فرض کنیم که شرایط امتیاز نامه جدید با شرایط امتیاز نامه داری از حیث منافع دولت مساوی باشد یعنی ۷۵۰ هزار لیره حداقلی که در امتیاز نامه جدید معین شده با صدی ۱۶ عایدات امتیاز نامه داری برابری کند بنا بر این صدی ۸۴ از عایدات که در ۱۹۶۱ حق دولت میشود بر طبق قرارداد جدید کمیانی آنرا تا ۳۲ سال دیگر میبرد.

۱۲۶ میلیون لیره انگلیسی از قرارداد ۱۲۸۰ ریال ۰۰۰۰۰۰ ریال ۱۶۰۱۲۸۰ ریال میشود و تاریخ عالم نشان نمیدهد که یکی از افراد مملکت بوطن خود در يك معامله ۱۶ بلیون و ۱۴۸ هزار ریال ضرر زده باشد.

و شاید مادر روزگار دیگر نزاید کسی را که به یگانگی چنین خدمتی کند !!



آقای تهری زاده وزیر سابق در سال ۱۳۹۲

از تعدید مدت نه تنها دولت از این مبلغ معیر العقول محروم شد بلکه ۲۰ هزار سهمی که از سهام شرکت دارد بعد از سال ۱۹۶۱ بلا تکلیف و معلوم نیست که دولت انگلیس که قدرت خود را برای تعدید مدت بکار برده حاضر شود که از ۱۹۶۱ بیعد باز صاحبان سهام صدی ۸۴ از منافع شرکت را ببرند.

واژه مضحکترین است که ماده ۱۰ متمم بودجه سال ۱۳۱۲ در ۴ خرداد از مجلس اینطور گذشته است.

الف مبلغ ۳۵ هزار لیره از محل ذخیره ملکیتی یوزارت مالیه اعتبار داده میشود تا مصارفی را که مربوط بموضوع تأمین حقوق ایران در نفت جنوب بعمل آمده است از قبیل اعزام هیئتی بژنو برای مدافعه حقوق مذکور و استشاره از متخصصین و کلیه مخارج دیگر از هر قبیل پرداخته و بخرج منظور دارد.

آقایان نمایندگان!!

### معایب دادن امتیاز به یگانگان

من با دادن هر امتیاز از نظر اقتصادی و سیاسی مخالفم چون تفکیک مسائل سیاسی از اقتصادی مشکل است و این دو سیاست با هم بستگی تام دارد هر کجا که اقتصاد

صدق می کند سیاست هم غالباً صادق است و از حقوقی که برای ساختن خط آهن و بندر و تلفن و تلگراف و تلگراف بی سیم و مؤسسه هواپیمائی که ماده ۱۵ امتیاز نامه جدید بکمپانی داده تنها نه در امور اقتصادی بلکه در امور سیاسی هم میتوان استفاده نمود پس لزوم ندارد که ما بشرکتی که تابع یک دولت خارجی است و بایک دولت امتیاز دهیم تا اینکه در ملکیت ما احداث این قبیل مؤسسات کنند و در خاک ایران دولت های دیگری تشکیل دهند.

دلایل مخالفت، از نظر اقتصادی

(۱) هر گاه بحسابه عوائد نفت جنوب رجوع کنند معلوم خواهد شد که عوائد مزبور منحصراً در راه سیاسی خرج شده است عوائد مزبور بصرف «راه آهن» که بنام معنا استراتژیک و برای ما سرتاپا ضرر است رسید که از احداث آن بارها نظریات خود را در مجلس شورای ملی گفتم و روز گاهم گفته مرا تأیید کرد و همچنین بصرف «خرید اسلحه» و مهمائی که ایران به آن احتیاج نداشت رسید زیرا ما با دول مجاور خیال جنگ نداشتیم که محتاج با قدر مهمات شویم و اگر آن مهمات برای ما بود پس چه شد که در شهریور ۱۳۲۰ از دست ما رفت؟

(۲) - بر فرض که ما امتیاز به «دولت» بدهیم و گیرنده «شرکت» باشد چون دول معظمه عموماً در شرکت های تابعه خود سهیمند و آنها را تحت نظر خود اداره میکنند هر قدر هم که در امتیاز نامه از عایدات شرکت برای خودمان سهم معین کنیم وقتی که دولت نتواند

بحساب شرکت رسیدگی کند نقش بر آب است.

(۳) - در هر امتیاز آنچه یکبار بیشتر از همه امتیاز دهند مرا شوقی میکنند آنست که بعد از يك مدتی قائم مقام صاحب امتیاز میشود و ما دیدیم که در امتیاز داری این حق بچه نیرنگی از دست ما رفت.

از آنچه عرض نمودم مقصود این بود که اعطای امتیاز و لوازم آنکه گیرنده دولت نباشد بهیچ وجه برای ما صلاح نیست و بعد لازم می دانم که چند فصل از عهدنامه دولت شوروی و ایران را بخوانم تا معلوم شود که تقاضای امتیاز با اصول آن موافقت می کند یا متعارض است.

سال ۱۳۰۰ شمسی با دول اتحاد جماهیر شوروی عهد نامه بستیم و روابط دیرینه خود را تجدید و از هست بلند آن دولت همیشه تشکر نمودیم و انتظار داریم که

### فصول مهم عهدنامه منتهه با شوروی

مقررات آن هیچوقت نقض نشود و فصول مورد استفاده من که می خوانم همیشه باقی بماند.

**فصل اول - دولت شوروی روسیه مطابق بیانی های خود راجع بیانی سیاست روسیه نسبت به ملت ایران مندرجه در مراسلات ۱۴ پانواو ۱۹۱۸ و ۲۶ ایون ۱۹۱۹ یکمرتبه دیگر رسماً اعلان مینماید که از سیاست چاپرانه که دولت های مستعمراتی روسیه که باراده کارگران و دهقانین این مملکت سرنگون شدند نسبت با ایران تعقیب مینمودند قطعاً صرف - نظر می نماید.**

نظر بآنچه گفته شد و با اشتیاقی باینکه ملت ایران مستقل و سعادتمند شده و میتواند آزادانه در داری خود تصرفات لازمه را بنماید دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قرارداد ها را که دولت تزاری با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تفسیح مینمود ملتی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلان مینماید.

**فصل دوم - دولت شوروی روسیه از سیاست دولت های روسیه تزاری که بدون رضایت ملل آسیا و به بهانه تأمین استقلال ملل مزبور با سایر ممالک اروپا در باب شرق معاهداتی منعقد می نمودند که یا لتبجه منجر با استهلاک آن میکردید اظهار تنفر می نماید :**

این سیاست جنایت کارانه را که نه تنها استقلال ممالک آسیا را منهدم مینمود بلکه ملل زنده مشرق را طعمه حرص غارتگران اروپائی و تهدیات مرتب آنها قرار میداد دولت شوروی روسیه بدون هیچ شرطی نفی مینماید.

نظر بآنچه گفته شد و مطابق اصول مذکور در فصل اول و چهارم این معاهده دولت شوروی روسیه استنکاف خود را از مشارکت در هر نوع اقداماتی که منجر به تضعیف و محفوظ نماندن سیادت ایران بشود اعلان نموده و کلیه معاهدات و قرارداد هائی را که دولت سابق روسیه با ممالک ثالثی بضرر ایران و راجع به آن منعقد نموده است ملتی و از درجه اعتبار ساقط میداند.

**فصل چهارم -** با تصدیق اینکه هر ملتی حق دارد مقدرات سیاسی خود را بلامانع و آزادانه حل نماید هر يك از طرفین معظمتین متعاهدین از مداخله در امور داخلی طرف مقابل صرف نظر کرده و جداً خودداری خواهد نمود.

**فصل پنجم -** دولت شوروی روسیه نظر با اعلان نفی سیاست مستعمراتی سرمایه داری که باعث بدبختیها و خون ریزیهای بیشمار بوده و میباشد از انتفاع از کارهای اقتصادی روسیه تزاری که قصد از آنها اسارت اقتصادی ایران بوده صرف نظر مینماید.



بنا بر این دولت شوروی روسیه تمام قدینه و اشیاء قیمتی و کلیه مطالبات و بدهی بانک استراض ایران را همچنین کلیه دارائی منقول و غیر منقول بانک مزبور را در خاک ایران بملکیت کامل ایران واگذار مینماید .

**فصل دو از دهم - دولت شوروی روسیه پس از آنکه رسماً از استفاده از نوایند اقتصادی که مبنی بر تنوع نظامی بوده صرف نظر نموده اعلان می نماید که علاوه بر آنچه در ضول ۹ و ۱۰ ذکر شد سایر امتیازات نیز که دولت سابق تزاری عتفاً برای خود و اتباع خود از دولت ایران گرفته بود از درجه اعتبار ساقط می باشند .**

دولت شوروی روسیه از زمان امضای این عهد نامه تمام امتیازات مذکور را اعم از آنکه بموقع اجرا گذارده شده باشند و یا گذارده نشده باشند و تمام اراضی را که بواسطه آن امتیازات تحصیل شده اند بدولت ایران که تسایند ملت ایران است واگذار می نماید .

در هیچ قاموس کلماتی بهتر از کلمات این فصل دیده نمیشود اگر اثر از الفاظ رفته برای پیمانهای بعد از این جنگ باید فکر افاض کرد والا برای آسایش نوع بشر از فصولی که خوانده شد چیزی بهتر دیده نمیشود .  
این مقام شامخی که امروز دولت شوروی در عالم بدست آورده است تمامش مرهون دلیری نظامیان نیست بلکه قسمت مهم آن مربوط بوجهات عمومی و افکار جهان است .

یک روز در این مملکت علمدار آزادی انگلیس بود و سفارت انگلیس در این شهر در حکم مسجد شده بود امروز دولت شوروی علمدار آزادی شده ولی معلوم نیست که سفارت آن دولت هم در حکم مسجد میشود و یا نمیشود .  
دولت انگلیس هیچوقت نگفت که چون سیاست دولت روسیه تزاری در ایران از سیاست انگلیس سراسر است با دولت ایران قطع روابط میکنم تا تعادل سیاسی برقرار شود .

دولت انگلیس پی بعات برد و علت را که بر طرف نمود معلول هم از این رفت . دولت انگلیس دانست که به آزادیخواهان باید همراهی کنند تا امر تبیین جیره خوار بانک استراض روسیه از این بروند . این بود که برای پیشرفت سیاست خود علم مشروطیت را بلند کرد .

دولت شوروی هم اگر میخواهد بمقصود برسد و در ایران « موازنه سیاسی » برقرار شود برای عدم توجه دولت به امتیازت نباید قطع رابطه کند زیرا اینکار جنبه شخصی دارد و از وجاهتش که تاکنون کب نموده است میبگاهد .

اگر دولت ساعد رفت و دولت دیگری هم نتواست موافقت کند با آن دولت چه خواهد کرد ؟

آیا دولت شوروی برای هر تقاضایی که دولت ایران قبول نمود قطع روابط میکند ؟

پس همانطور که دولت انگلیس از کاری

که جنبه عمومی داشت حمایت نمود و در ضمن منافع مشترک مقاصد خود را انجام داد دولت شوروی هم باید همان رویه را اتخاذ کند .

**دلایل مخالفت با امتیاز  
مورد تقاضای شوروی**

هیچکس نمی‌گفت که دولت انگلیس چرا با مشروطه خواهان همراهی می‌کند زیرا مشروطیت کلامه حقی بود که کسی غیر از هوا خواهان سیاست مشهور دولت روسیه تزاری با آن مخالفت نمی‌کرد و چون مشروطیت ایران حق بود هوا خواهان آن بر هوا خواهان استبداد که باطل بود غلبه نمودند و چون ملت به آزادی رسید هم «موازنه سیاسی» برقرار شد و هم دولت انگلیس برای کار خیری که کرده بود نام نیک و شهرتی بزا در کرد.

ما نمی‌گوییم که دولت شوروی می‌خواهد با ظلم کند ما میدانیم که برای رفع نگرانی می‌خواهد تحصیل امتیاز نماید ولی ما از گذشته درس می‌گیریم و مقدرات خود را بتحولت عالم مربوط نمی‌کنیم. تاریخ با نشان میدهد که رفتار ملل همیشه یک نهج نیست و اوضاع اجتماعی و اداری و اقتصادی و سیاسی هر قوم در رفتار آن نسبت بسایر ملل مؤثر است در اینصورت ما هم ممکن است نگران این باشیم که روزی پیش آید که رفتار آن دولت با ما فرق کند و آنوقت معلوم نیست که کار ما چه میشود؛

هیچ وطن پرستی نخواهد گفت که با دولت مساعد برای اینکه بشر کتلهای خارجی و دولت شوروی امتیاز نداد مخالفم.

هر وطن پرستی از مذاکرات «ساعد مراغه ای» با شرکت های خارجی نگران بود و ملت ایران مرهون سیاست که دفع شر آنها شد و این موفقیت شاد در نتیجه «توازن سیاسی» است که از شهریور ۱۳۲۰ در این کشور برقرار شده است.

تا شهریور ۱۳۲۰ من و امثال من در وطن خود آسایش و حق حیات نداشتیم و از آن تاریخ است که روزگار ما قدری بهتر است.

ملت ایران آرزو مند «توازن سیاسی» است یعنی توازنی که در وضع این مملکت باشد و آن «توازن منفی» است.

ملت ایران هیچوقت با «توازن مثبت» موافقت نمی‌کند و از اولین روزی که من وارد مجلس شدم با قرارداد مالی و هر عملیاتی که دولت های بعد از شهریور از نظر «توازن مثبت» نموده بودند مخالفت کردم و اعمال خائنانه آنها را بجامه آشکار نمودم.

اگر از نظر «توازن مثبت» هر چه دول مجاور می‌خواهند بدهند پر واضح است که دول مجاور بسیار خوشوقت میشوند و دولتهای خائن هم خوشوقتی آنها را برای خود سرمایه بزرگی قرار میدهند و آنرا برخ ملت میکشند ولی ملت میدانند که با این رویه طولی نخواهد کشید که هر چه دارد از دست بدهد.

هیچکس نمیتواند قضاوت ملت ایران را انکار کند ملت ایران بدولتهاییکه بکشور خیانت نموده اند بیستم بدینکرد و هر وقت بتواند خائنین را بچوبه دار میزند.

بعقیده من «توازن سیاسی» وقتی در مملکت برقرار میشود که «انتخابات آزاد» باشد. «توازن منفی» آن نیست که هر دولتی هوا خواهان خود را بمجلس بیاورد. «توازن منفی» آنست که در انتخابات دخالت نکنند، در قانون انتخابات تجدید نظر شود و نمایندگان حقیقی ملت که بمجلس رفتند «توازن سیاسی» برقرار شود و هر وقت که «موازنه سیاسی» برقرار شد رفع نگرانی نه از یکی بلکه از دول مجاور عموماً میشود. ایگاش که دول مجاور از نظریات شخصی صرف نظر کنند و بخاطر عالم انسانیت با ما رفتاری جوانمردانه نمایند تا انتظار ایشان از رفاهیت

### دو طریق برای حل قضیه

در این پیش آمد دولت اتحاد جماهیر شوروی میتواند بدو طریق عمل کند و نتیجه هر يك از آنها هم یکی نیست و بسیار فرق دارد .

اول - با اینکه بگویند شرط دولت کامل الوداد چنین اقتضا میکند که امتیاز معادن نفت شمال را هم دولت ایران بدولت شوروی بدهد در اینجا باید گفت جناب آقای «کافراندره» دیر تشریف آورده و زود میخواهند تشریف ببرند آن عصری که دولت ایران امتیاز نفت جنوب داد نفت آن اهمیتی را که امروز در عالم داراست، نداشت .

تجدید مدت آنهم معلول عللی است از قبیل حوادث بین المللی و کناره گیری دولت شوروی از سیاست جهان و برقراری حکومت دیکتاتوری که امروز آن علل موجود نیست و تا آن علل موجود نشود و تا دولت اتحاد جماهیر شوروی از اصول متغذیه در مسرا سلات ۱۴ یانوار ۱۹۱۸ و ۲۶ ایون ۱۹۱۹ وصول عهد نامه که خوانده شد صرف نظر نکنند چنین قراردادهایی از مجلس ایران نمی گذرد .

دویم - دولت اتحاد جماهیر شوروی بخت احتیاج دارد و دولت ایران هم در عالم مجاورت نباید نفت خود را با دیگران معامله کند من تصور میکنم که در این مجلس چنین پیشنهادی بگنجد یعنی دولت ایران منهدم شود که در مدت معلوم در قرارداد مازاد نفت معادن شمال را بشرخ متوسط بین المللی که در هر سال معین میشود بدولت شوروی بفروشد .

برای استخراج معادن نفت شمال هم با شرکت سهامی بین المللی که برای اتباع ایران و سایر دول سهمی در آن معلوم کنند و با شرکت سهامی مختلط ایرانی که سهام آن را دولت و ملت ایران قبول کنند تشکیل شود .

بدیهی است هر شرکتی بیش از سود سرمایه چیزی نیبرد بنا بر این دولت شوروی که سرمایه ای نیاورده و زحمتی تحمل نموده تا مدت قرارداد از نفت ایران استفاده و رفع احتیاج میکند .

من عرض نمی کنم راهی که بنظر من رسیده یگانه راه و غیر از آن طور دیگر نمیشود کرد .

غرض این است پیشنهادی که دولت شوروی میکند در مصالح مملکت باشد و از مجلس بگذرد .



نظریات مطبوعات و عقاید ارباب جرارد در باره نطق  
هفتم آبانماه

روزنامه «آرژیر» در شماره ۷-۲ مورخ نهم آبانماه ۱۳۲۳ تحت عنوان «در باره نطق آقای دکتر مصدق» بقلم رشتی (پیشه وری) چنین نوشت: «پسری روز مجلس صحنه تآثر شده بود، نمایندگان کف میزدند، بعد از نطق آقای دکتر مصدق آقایان «گله داری» و «دکتر-طاهری» و «سید کاظم یزدی» و «کاظمی» و «امامی» و غیره دستها را تپ دادند و پشت کف میزدند در همان حین حکایتی بغاطرم آمد- «بیل» که یکی از زعمای سوسیالیزم آلمان بود همیشه بدوستان خود میگفت: «وقتی مرتجعین در «رایشناک» گفته های مرا بر سیل اتفاق تصدیق میکند من از خود میبرسم «ای پیره» «بیل» باز چه گلی بآب دادی که مورد تحسین این آدمخوارها قرار گرفتی؟!»

ما در باره نطق آقای دکتر مصدق عرض دیگری نداریم و این را هم که گفتیم بر سیل مزاح بود.



روزنامه «رزم» در شماره ۲۱ آبانماه ۱۳۲۳ تحت عنوان «بوقع آمدند» چنین نوشت:

«اگر دولت آمریکا نمیخواست قبل از گذرانی صلح کارقت تمام شود دولت شوروی هرگز از ما تقاضای امتیاز نمیکرد وقتی که از آن طرف دنیا دولت آمریکا تقاضای امتیاز کند دولت شوروی که همسایه ماست چرا ننگند؟ ملت ایران مرهون «شوروی»ها است که رفیع شر آنها شد...»



جناب آقای کافشارادزه دیر تشریف آورده و زود میخواهد تشریف ببرند.  
«قل از نطق آقای دکتر مصدق»

آقای دکتر مصدق بنا بر این اگر آقای کافشارادزه از لحاظ خودشان دیر تشریف- آوردند از لحاظ مصالح کشور ایران خیلی بوقع آمدند.

از شماره فوق الذکر روزنامه «رزم»



## تمایل مجلس بزمامداری «دکتر مصدق»

نطق دکتر مصدق و اظهار عقیده صریحی که بطور مدلل روشن در مورد اعطای امتیاز نفت به بیگانگان نمود باندازه ای در مجلس حسن اثر بخشید که چندین بار نمایندگان و تماشاچیان با کف زدنهای شدید ابراز احساسات کردند . همینطور کلیه محافل ملی و جراید این نطق را یک شاهکار بزرگ سیاسی دانسته و اظهار خوشوقتی نمودند و بمتابعت از همین احساسات و توجه عمومی اکثریت قریب باتفاق نمایندگان مجلس در همین موقع که بواسطه استعفای آقای ساعد مملکت دچار بحران شده بود بنخست وزیر دکتر مصدق اظهار تمایل نمودند اما بطوریکه خوانندگان محترم میدانند بجهاتی که دکتر مصدق تلویحا در دو نامه خود به پیشگاه سلطنت و ریاست مجلس شورای ملی اظهار نمود از قبول کار خودداری کرد :

۱ - عریضه به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

۲۳ آبان ماه ۱۳۳۳

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

در جلسه خصوصی بعضی از نمایندگان مجلس که راجع به امور جاریه و استعفای نخست وزیر و تعیین قائم مقام او مذاکره بود جمعی نسبت بقصدی اظهار حسن ظن نمودند این بنده هم با تجربیات تلخی که از دوره چهاردهم تقنینیه دارد هیچگاه نمیخواست از مجلس شورای ملی قبول خدمت کند و سه چیز سبب شد که باز قندی را بازمایش مجبور کرد :

- ۱ - اوضاع خراب مملکت که امروز قبول خدمت برای هر کس واجب عینی است
  - ۲ - تکذیب سیاست منفی که من غیر حق از دیرزمانی بقندی نسبت داده اند و همه میدانند که تا دوره پنجم تقنینیه این بنده همیشه دارای سیاست مثبت بوده و چون اوضاع بنظریاتم موافقت نداشت از آن زمان رویه منفی اتخاذ نموده است .
  - ۳ - امتناع از قبول کار سبب میشد که تا آخر دوره چهاردهم تقنینیه نتواند بنا لوابیح دولت مخالفت کند زیرا که در جواب میگفتند بهتر بود که کار قبول کنی لوابیح را با نظریات خود تنظیم نماید .
- این بود که حاضر شد برای مدت قلیلی این مأموریت را بدون اخذ حقوق قبول کند تا برای بار گشت بمجلس مانی نباشد .

عده زیادی از نمایندگان با نظریات فدوی موافقت نمودند بشرط اینکه مدت تصدی کار محدود نشود و هر وقت که مقتضیات ادامه کار را اجازه نداد فدوی استعفا ننمایم، این بنده هم موافقت نمود بشرط اینکه آقایان نمایندگان وعده دهند با نظریات فدوی برای پیشرفت امور مملکت مساعدت نمایند و لوائجی که بمجلس پیشنهاد میشود یا همان حسن ظنی که از ابتدا اظهار میکنند تصویب نمایند.

عده دیگر با تصویب قانون خاصی باین عنوان که باید اصل ۳۲ قانون اساسی تفسیر شود موافقت نموده اند در صورتی که اصل مزبور که از این قرار است:

«چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم شود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستیفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود»

اگر شامل مقام نخست وزیری بشود چون فدوی آنرا موظفاً قبول نیکند مشمول اصل مزبور نخواهد بود.

چنانچه اکثریت مجلس هم با تفسیر اصل ۳۲ موافقت کند این بنده رضا نیدمد زیرا هستند کسانی که بهتر از فدوی در این مقام یکشور خدمت کنند و چه لزوم دارد که اصلی از اصول قانون اساسی از نظر شخصی معنی تفسیر شود.

بنا بر آنچه عرض پیشگاه شاهنشاهی رسید و بنا بر اینکه موکامین فدوی صاحب این نظر نبوده اند که برای مدت کوتاهی کار قبول کنند و موقعی که دفاع از وطن فریضه این بنده و هریک از نمایندگان است کرسی خود را بلا تصدی گذارد این است که قبول خدمت موکول به تشخیص این موضوع از طرف مجلس خواهد شد که آیا بازگشت فدوی بمجلس که غیر موظفاً مقام نخست وزیری را قبول مینماید پس از پایان تصدی مانعی خواهد داشت یا خیر.

البته در صورتی که طبق تشخیص ورأی مجلس مانعی نداشته باشد با کمال افتخار در این موقع خطیر برای انجام خدمتگزاری حاضر خواهد بود والا از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در خواست می نماید که فدوی را معاف فرماید.

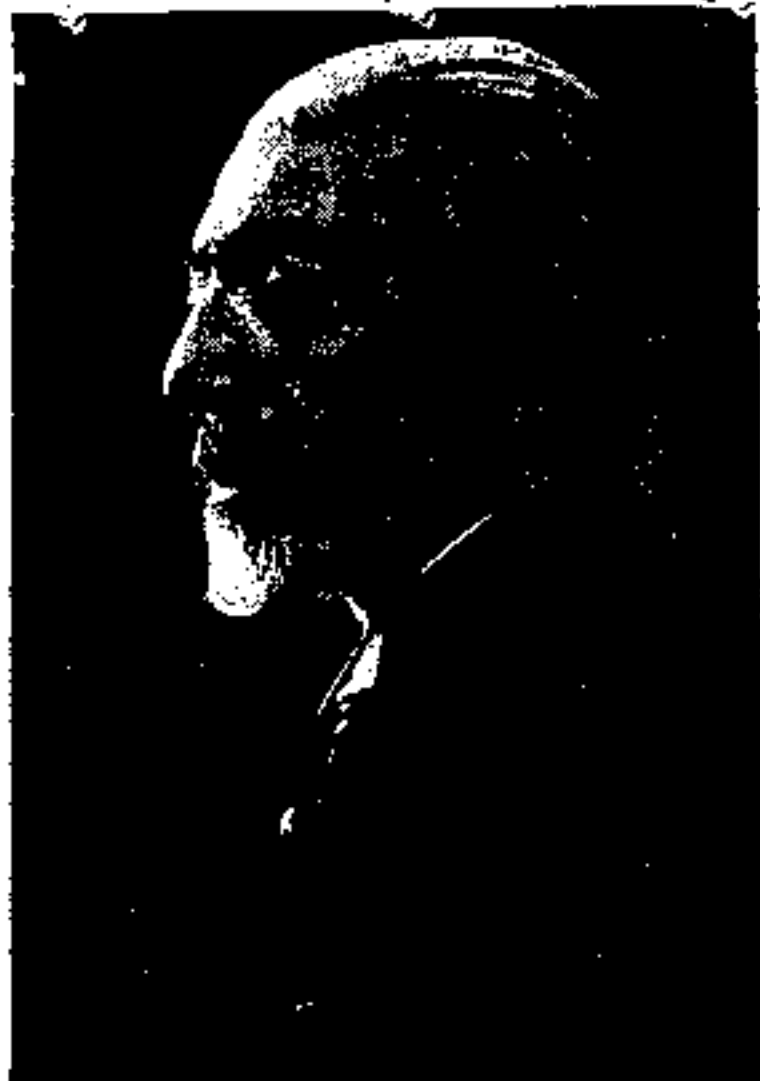
دکتر محمد مصدق (۱)

۴ - نامه ریاست مجلس شورای ملی

۲۳ آبانماه ۱۳۲۳

ریاست مجلس شورای ملی

پنجشنبه یازدهم آبان که بعضی از آقایان نمایندگان محترم برای قائم مقام نخست وزیر نسبت به این جانب اظهار حسن ظن نمودند از نظر اهمیت موقع و اینکه بنا وضعیت امروز خدمت مملکت برای هر کس واجب عینی است این جانب امتناع نموده و قبول کار را مفید باین نمودم که از مجلس قانونی بگذرد که همین جانب برای استیفای سه ماه قبلی مشمول ماده دوم قانون سال ۱۳۰۶ نشوم و چون مقامی را که اشغال میکنم



آقای سید محمد صادق طباطبائی رئیس مجلس ۱۳

۱۰مه برتیس مجلس شورای ملی بدون اخذ حقوق و غیر موظف است لذا محتاج نیست که اصلی و دوم قانون اساسی تفسیر شود و بر فرض لزوم این جانب راضی نیستم که برای شخص خود اصلی از اصول قانون اساسی تفسیر شود و از آنکه خواستم در طرح جدیدی اسمی از مراجع این جانب بمجلس پس از کناره جویی از کار برده شود فقط از این نظر بوده که در موقع استفاده اصل مزبور را بطور دیگر تفسیر نکند و راه ورود این جانب را بمجلس مسدود نمایند البته تصدیق میفرمایند که موکلین من صاحب این نظر نبوده اند که برای مدت کوتاه کار قبول کنم و موقعی که دفاع از وطن فریضه من و هر یک از

نمایندگان است کرسی خود را خالی بگذارم صاف و بی پرده عرض میکنم که عدم امتناع برای این بود که بآن کسی که همیشه فدائی وطن بوده است نسبت معافانه کاری و خالی کردن شانه از کار را ندهند و در مواقعی که در مجلس با لوایح دولت مخالفت میکنم امتناع را پیراهن عشان نمایند و نگویند چرا کار که تکلیف شد از قبول آن خودداری نمودم چون بعضی از آقایان محترم با قانون خاصی که نظر این جانب تأمین شود موافق نیستند و وضعیت مهم مملکت همچنین ایجاب میکند که هر چه از مجلس میگردد بدون مباحثه و مورد توجه اکثریت قریب باتفاق باشد و این جانب هم تا نظریکه صرفاً بنگه مملکت تشخیص داده شده تأمین نشود هیچ کاری قبول نمیکنم و بیش از این هم اقتضا ندارد که کار مملکت بلاتصدی بماند یا عرض تشکر از حسن ظنیکه نسبت باین جانب از طرف آقایان نمایندگان محترم اظهار شده از مقام ریاست درخواست مینمایم که این نامه در جلسه خصوصی قرائت شود و مجلس شورای ملی تمایل خود را بکسی اظهار فرماید که خلعت نخست وزیری بدون هیچ قید و شرطی قبول نماید.

دکتر محمد مصدق (۱)

علل امتناع دکتر مصدق  
از نخست‌وزیری

از آنچه گذشت معلوم میشود که دکتر مصدق برای تمایل مجلس خوشین نبوده و چنین تصور کرده است که متولیان مجلس میخواهند گریبان خود را از دست او که لایتغیر بود خلاص کنند و موقع را مناسب دانسته بودند که بعنوان نخست‌وزیری او را از مجلس خارج کرده و بعد بجهت‌های غیر موجهی دولت را در اقلیت بگذارند و بالتبصره رئیس دولت را از سیاست برکنار نمایند. آیا مردم تهران که انتظار داشتند و گیشان تا آخر دوره در مجلس بماند و بوظیفه خود عمل و از نظریات موکلین خود دفاع کند این پیش‌آمد را چگونه تلقی مینمودند؟ معلوم بود که اظهار تمایل متولیان بمنظور اصلاحات نبود و الا بعد از ایراد این نطق در مجلس که مورد تحسین عموم شد و همه دانستند نماینده اول تهران غیر از منافع مبین نظریات دیگری ندارد میبایست با او همراهی کنند و همگی با هم قنصلی بلندی برای اصلاحات بردارند نه اینکه کار اختلاف نظر را بجائی رسانند و خط‌مشی را طوری از هم دور کنند که نمایندگان اقلیت چند ماه بواسطه «ابستروکسیون» جریان امور مجلس را متوقف نمایند.

اعتناع از قبول ممکن است جهات دیگری هم داشته که دکتر مصدق نتوانسته در این دو نامه اظهار کند مثل اینکه بعضی از سیاستها احساسات ملی اشخاص را مورد توجه قرار نمیدادند و چنین تصور مینمودند اگر کسی در تمام جهات با سیاست آنها موافقت نکند با آنها مخالف است. مگر نه این بود که تا دکتر مصدق در مجلس با عاملین کودتا و دیکتاتوری و دکتر میلیسیو مخالفت میکرد روزنامه‌های دست چپ با او موافق بودند و از عملیات او تحسین مینمودند ولی بمحض اینکه راجع با امتیاز نفت در مجلس اظهار عقیده نمود لحن جراید مزبور بکلی تغییر یافت و بدگمانی جای حسن ظن را گرفت و چون هدف همسایه شمالی تحصیل امتیاز نفت بود و نماینده اول تهران هم مخالفت خود را با هر گونه امتیازی اظهار نموده بود دخالت او در کار سوء تفاهمی را که از کابینه مساعد برای دولت شوروی حاصل شده بود شدیدتر میکرد و ممکن بود که روابط ایران با همسایه شمالی بمرحله بن بست برسد در این صورت بهتر بود کسی غیر از دکتر مصدق قبول زمامداری کند که رفع سوء تفاهم بشود.

تأثیر فوق‌العاده‌ای که نطق دکتر مصدق در قلوب مردم و اکناف مملکت نمود



بمتولیان اکثریت جرأت داد که تصمیم دولت مساعد را درخصوص ترك مذاكرات تا استقرار صلح عمومی کافی ندانند و برای جلوگیری از اعطای امتیاز نفت فکر دیگری بنمایند زیرا تصمیم دولت قوت قانونی نداشت که دولتهای وقت از آن پیروی کنند و گردباد حوادث آنرا تغییر ندهد پس لازم بود که تصمیم دولت از طریق قانون تأمین شود و روی این نظریه در محیط پارلمانی شایع شده بود که آقای سیدضیاءالدین - طباطبائی طرحی راجع به «تحریم امتیاز نفت» تهیه نموده و منتظر است که در موقع مقتضی پیشنهاد بمجلس کند و چون تحریم امتیاز بدون اینکه تکلیف استخراج معلوم شود مصالح عمومی را تأمین<sup>(۱)</sup> نمینمود زیرا:

- ۱ - عدم استخراج سبب میشد که مملکت از عایدات هنگفتی محروم شود .
- ۲ - فشار دول بزرگ برای تحصیل امتیاز سبب میشد که دولتها دوام پیدا نکنند و کوچکترین قدمی برای اصلاحات برندارند
- ۳ - رقابت دول بزرگ برای تحصیل امتیاز صلح بین المللی را تهدید مینمود .
- ۴ - عدم استخراج بسولتهای مقتدر و محتاج بنفت مجال میداد که هر وقت بتواند همان امتیازی را که ملت ایران با آن مخالف است تحصیل کند

لذا دکتر مصدق طرحی تهیه نمود که امتیاز نفت تحریم شود و دولت بتواند راجع باستخراج آن هرطور که مقتضی و صلاح مملکت باشد اقدام کند و چون

(۱) - کما اینکه در دوره پانزدهم قنیه هم راجع باستخراج نفت بدست دولت تصمیمی اتخاذ نشد و بر طبق صوره دوم از ماده واحده مصوب در جلسه ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ راجع برد مقاوله نامه آقای قوام بادولت اتحاد جماهیر شوروی که از این قرار است :

«ب - دولت باید موجبات تفحص فنی و علمی را بمنظور اکتشاف معادن نفت فراهم آورد و در ظرف مدت پنج سال نقشه های کامل فنی و علمی مناطق نفت خیز کشور را ترسیم و تهیه نماید تا مجلس شورای ملی با استحضار و اطلاع کامل از وجود نفت بمقدار کافی بتواند ترتیب بهره برداری بازرگانی از این ثروت ملی را بوسیله تصویب قوانین لازم تعیین کند»

مجلس شورای ملی راجع بوجود نفت در معادن شمال تجاھل العارف نبود و عمل استخراج را برای مدت پنج سال متوقف کرد در صورتی که صلاح این بود که دولت فوراً شروع باستخراج نماید و بر فرض اینکه کسی طالب خرید نفت نباشد آنرا بمصرف داخلی برساند

نظر نگارنده این نیست که دولت ایران میتواند تشکیلات نفتی دول بزرگ را در شمال ایران برپا کند ولی آیا بهتر نبود که دولت چاههایی مثل چاههای نفت باد کوبه حفز کند و از نفت آن ملت ایران استفاده کند ، در باد کوبه قبل از تغییر رژیم چاههای نفت بوسیله حاج زین العابدین قی اف ، معروف با سازمان خیلی مختصری استخراج میکردند و بر حال برخلاف تصور بعضی از هموطنان استخراج نفت در ایران بوسیله «وا» کار مشکلی نیست و باسانی عملی میشود .

استخراج بدون بازار فروش عملی بود و قبل از هر دولتی نظریات دولت شوروی میبایست معلوم شود زیرا استفاده دولت مزبور از معادن نفت شمال ایران بواسطه مجاورت احتیاج بلوله کشی نداشت و دولت ایران میتواند بوسیله سلف فروشی وام بخواهد و دین خود را از فروش نفت بطور استهلاک ادا کند و اگر دولت شوروی موافقت مینمود تکلیف بعضی از دول دیگر هم که بنفت احتیاج دارند معلوم میشد لذا دکتر مصدق توسط یکی از نمایندگان مجلس و عضو فراکسیون حزب توده نظریات دولت شوروی را استعمال نمود و همینکه معلوم شد دولت شوروی غیر از استفاده از نفت نظری ندارد طرح خود را تهیه نمود که ماده اول آن اعطای هرگونه امتیازی را تحریم میکند و ماده دوم: «بخست وزیر اجازه میدهد که برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن خود را استخراج و اداره میکند مذاکره نماید و از جرین مذاکرات مجلس شورای ملی را مستحضر نماید» که طرح مزبور در یازدهم آذر ماه ۱۳۲۳ موقع شور در برنامه دولت بیات تقدیم مجلس شد و غیر از چند نفر نمایندگان حزب توده، سایر نمایندگان بالاتفاق آنرا تصویب نمودند و تعجب در این است موقی که شرکتهای انگلیسی و آمریکائی با دولت ساعد راجع بنفت در مذاکره بودند نمایندگان حزب توده در مجلس با اعطای امتیاز بخارجی مخالفت خود را اظهار نمودند که در مقدمه این فصل ضمن سؤال آقای دکتر رادمنش ملاحظه شد<sup>(۱)</sup> ولی با طرح دکتر مصدق نخواستند موافقت کنند

بعقیده نگارنده اجرای این قانون نه تنها در منافع ایران بلکه با مصالح دولت شوروی نیز تطبیق میکرد چه قانون مزبور از یک طرف احتیاجات نفتی شوروی را تامین مینمود و از طرف دیگر روابط شوروی و ایران را برای همیشه حسنه و مودت آمیز نگاه میداشت و ما تعجب میکنیم که دولت شوروی از این قانون که در سیاست بین المللی و صلح عالم اثر خاصی داشت استفاده نکرد. بر فرض اینکه حقوق بشری و مقررات بین المللی اجازه میداد که دولتی بعنوان امنیت خود در خاک ملت دیگر ایجاد حریم کند کار ترقی تسلیحات و قدرت اعجاز آمیز حرکت طیارات بجائی رسیده که موضوع «حریم امنیت» از بین رفته است!....

اینک متن کامل نطق دکتر مصدق را که در موقع پیشنهاد طرح خود در مجلس ایراد نموده از مذاکرات مجلس شماره ۱۳۳۶ صفحه ۱۴۳۲ تا

متن کامل نطق دکتر مصدق  
هنگام پیشنهاد طرح تحریم

## لزوم تسریع در استخراج نفت

دو جلسه هفتم آبان مخالفت خود را نسبت بافتیاز نفت اظهار نموده و بعرض مجلس رساندم که راه استخراج منحصربه‌افتن امتیاز نیست و بطریق دیگر هم خود دولت میتواند معادن نفت را استخراج کند و چون امروز وقت بمنزله آب حیاست ما هر قدر در استخراج آن تأخیر کنیم بدول قوی مجال میدهیم که از خود رفع محظور کنند و از ما امتیاز بخواهند و آنوقت است که ما باید معادن خود را تملیک نماییم هر گاه در ابواب قه بانی هم برای امتیاز بود عرف بین‌المللی اقتضای می‌کرد که قهها امتیاز نفت را اینطور تعریف کنند «تملیک عین او منفعه مادام الحیوة» زیرا امتیاز دهنده قادر نیست که در آخر مدت صاحب امتیاز را از مؤسسات خارج کند و بر طبق امتیاز نامه مؤسسات نفتی را تصرف نماید و ناچار است هر طور که صاحب امتیاز بخواهد مدت را تمدید نماید و از منافع هر قدر برای ما سهم معین کنند وقتی که بتوانیم داخل شرکت شویم و بحساب آن رسیدگی کنیم نقش بر آب است. حد اقلی را هم که قرارداد معین کند باید صرف کاری نمود که صاحب امتیاز موافقت نماید. فراموش نمیکنم که دوره ششم تقنیه وزیر مالیه وقت از نظر مصالح مملکت پیشنهاد نمود که عواید نفت جنوب از جمع بودجه خارج شود و بشبان ذخیره مملکتی حسابی جداگانه داشته باشد و بعد معلوم شد که مراد از ذخیره مملکتی احداث راه آهن و خرید اسلحه و مهمانست. اینجا است که زمامداران دولت اتحاد جماهیر شوروی باید از خدا دور نشوند و با ملت ضعیفی مثل ما همانطور که تا کنون خوب رفتار کرده‌اند باز رفتار نمایند و به بیند چیزهایی که بر علیه آنها تهیه شده بود چطور بر رفع آنها بکار رفت (عرفت الله بفسخ العزائم و تقض الهمم) من اگر با امتیاز مخالفت نموده ام پیشنهادهایی هم برای استخراج نفت و فروش آن کرده ام که آنها را نباید از نظر دور داشت و کار نفت را برای بعد از خاتمه جنگ گذاشت. آنها اینکه میگویند مذاکرات نفت به بعد از جنگ محول شود یا از درك حقایق عاجزند و یا اینکه عقیده از خود ندارند ولی آنها را که اهل تشخیصند و نماینده این ملتند می‌دانند که تأخیر موجب زیان است. وضعیت بین‌المللی ایجاب میکند که هر چه زودتر تکلیف معادن نفت معلوم شود. امروز یکی از شخصیت‌های مهم کشور دوست و مجاور ما تشریف آورده اند و میخواهند در کار نفت مذاکره نمایند، هر دولتی در کار تأخیر کند بملکت خیانت مینماید آن روزی که سیاست يك طرفی بود ۳۲ سال امتیاز نفت جنوب تمدید شد و از روی حد اقلی که خود گمانی برای عایدات دولت معین نمود متجاوز از ۱۶ بلیون ریال از کیسه ملت رفت و نسلهای آتی را از چنین عایدات هنگفتی محروم کرد. نسلهای آتی هر قدر فقیرین کنند کم کرده اند و بجای رحمت، حق دارند بلامنت کنند گرچه امروز توازن کامل در سیاست نیست ولی اگر همین موازنه هم بهم خورد هر يك از دول که موازنه را برد ما را بدبخت مینماید. فرض کنیم که سیاست مجاور شمالی ما قوت گرفت و گفت با امتیاز داری مخالف بودم ولی در عهدنامه ۱۹۲۰ دست از مخالفت کشیدم تمدید امتیاز موازنه را بر هم زد و من بیش از آنچه تمدید داده است چیزی نمی‌خواهم. فرض دیگر آنکه سیاست موافق نظریات مجاور جنوبی شد و آن دولت گفت امتیاز سایر معادن را هم میخواهم. اساس کار دنیا روی عدل نیست و هر ملتی عدالت را از نظر منافع خود قضاوت مینماید و با ضعیف تر از خود میکند آنچه را که انصاف و وجدان جایز نپسندد. مگر نبود که باشتهای امتیاز ۹۲ ساله شرکت‌هایی آمدند و مانع مذاکرات را با سهیلی و مساعد باز نمودند؛ مگر نبود هین که ... گفت از این ندم ما را هم کلاهی تمام حرفها و عملیاتی

که برای انجام مقصود شده بود ازین رفت؛ فرض سیم اینکه متفقین در تسخیر معادن نفت ایران با هم اتفاق کنند و هر کدام برای خود از این نماد کلاهی بخواهند ما باید آنرا بقدر وسعت کله هریک تقسیم کنیم و هر قسمت را در طبق اخلاص بگذاریم و با کمال خضوع و خشوع تقدیم نماییم و خود را مرهون نوع پرستی و بشر دوستی آنها بدانیم. پس تا چنین روزی نرسیده است باید هر چه زود تر تصمیمی که حافظ منافع ما است اتخاذ کنیم و مجال ندهیم که ازنده ما برای خود کلاه بارند.

ما برای مصرف خود قنای نفت لازم نداریم و برای اینکه معادن دیگر استخراج شود احتیاج به چیز داریم: اول محل مصرف، دوم - سرمایه برای استخراج سوم - متخصص، که نظریات خود را باختصار

### شرایط سه‌ماهه برای استخراج معادن

عرض می‌نمایم:

۱- محل مصرف - با نماینده بزرگ دولت شوروی داخل مذاکره شویم و قراردادای برای هر مدت که توافق نظر حاصل شود منعقد نماییم و وقت مازاد از مصارف خود را با نرخ متوسط بین المللی نفت در هر سال معامله نماییم.

۲- تحصیل سرمایه - برفرش که برای ما رمقی بود و می‌توانستیم بدون مساعدت غیرتفت را استخراج کنیم این کار خارج از صلاح است ما باید سلف فروشی کنیم و وجهی بعنوان ایعانه و بقیده (بسته) فقط صرف استخراج نفت شود بگیریم و نفت که استخراج شد حساب مشتری را از بابت اصل و سود وجهی که داده است تصفیه نماییم.

۳ - مدیر و متخصص - برای این کار ما بدو قسم اشخاص محتاجیم: اداری و فنی متخصصین اداری را از هوطنان و فنی را از متخصصین بین‌المللی که موقع قرارداد فروش معلوم خواهد شد انتخاب می‌نماییم.

این است نظریات من راجع با استخراج تمام معادن ایران که با هر دولتی که مشتری خرید نفت است مذاکره نماییم و هر چه زود تر شروع بکار و گریبان ملت را خلاص کنیم و برای هوطنان کارگر که تا آخر جنگ تمام بیکار میشوند کار تهیه نمایم.

من تصور می‌نمودم که اگر داخل کار شوم کار نفت و کارهای دیگری انجام دهم و بعد از اینکه اکثریت قریب باتفاق مجلس مرا نامزد نخست وزیر نمود معلوم نشد بچه عنوان اکثریت و اقلیت هر دو از من

### جهات مخالفت اکثریت بانخت وزیر مشروط دکتر مصدق

صرف نظر کرد و فقط بمن کسانی رأی داده‌اند که منفردند.

بعد از عرض تشکر از هموم آقایان محترم که بنخست وزیر بلا شرط من رأی دادند - اند سوال می‌کنم، اگر نظرشان این بود که قانون سال ۱۳۰۶ با رفتن من بدون استعفا سه ماه قبل موافقت نداشت ماده ۲ قانون مزبور را که خود اینجانب در جلسه ۱۱ تیرماه ۱۳۰۶ پیشنهاد نموده ام و بشرح ذیل است: «تا انقضای هر دوره تقنینیه نمایندگان مجلس شورای ملی نمی‌توانند هیچک از خدمات دولتی را موطناً قبول نمایند مگر اینکه سه ماه قبل از قبول خدمت نمایندگی استعفا نموده باشند» مانع نیست و بیانات اینجانب هم که در مذاکرات مجلس بشماره ۹۱ مندرج است حاکی از این معناست و چون نظریات این جانب مفصل و در دو نوبت بعرض مجلس رسیده است قسمت مختصر آن را که در صفحه ۱۸۷۸ مندرج است

عیناً نقل میکنیم و از قسمت مفصل آن که در صفحه ۱۸۷۵ همان شماره ملاحظه میشود برای اینکه وقت مجلس تضییع نشود خودداری مینمایم. اینک عین مذاکرات: «چون یکی از نمایندگان فرمودند که این ماده مخالف قانون اساسی است خواستم عرض کنم کاملاً با اصل ۳۲ قانون مطابقت دارد و مخصوصاً نظریات حضرت آقای رئیس (مقصود آقای حسین پیرنیا مؤتمن الملک است) جلب شد. بهیچوجه مخالفت ندارد و اینکه قانون اساسی میگوید که چنانچه یکی از وکلای در ادارات دولتی و موظفان مستخدم بشود از عضویت مجلس منصرف می شود ما نگفتیم که نیشود این مسلم است ما گفتیم اگر وکیل خواست برود وزیر شود یا رئیس فلان اداره بشود تا زمانیکه وکیل است نتواند برود. حالا اگر خواست برود باز هم مختار است منتها سه ماه قبل باید استعفا بدهد یا اینکه حقوق نگیرد.»

بنا بر آنچه عرض شد اگر کسی خواست که در تمام دوره و کالت در ادارات دولتی غیرموظف کار کند مانعی نیست و بدون استغای قبلی میتواند ولی بشرط اینکه سوءاستفاده نکند و بجای وظیفه مدد معاش بگیرد، مراد از وظیفه هروجبهی است که بهر اسم و رسم از خزانه دولت خارج شود از مواجب و شهریه و مدد معاش و انعام بهر صیفه ای از صیفه که باشد پس برای خارج شدن از مجلس مانعی نبود و باید فهمید که برای بازگشت چه مانعی تصور مینمایند. اصل ۳۲ متمم قانون اساسی از این قرار است:

«چنانچه یکی از وکلای در ادارات دولتی و موظفان مستخدم بشود از عضویت مجلس منصرف میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف با استغای از شغل دولتی و انتخاب او از طرف ملت خواهد بود» که بعضی از نمایندگان از «مترادف با مسؤولیت دانسته اند در صورتیکه مترادف با حقوق است و نظریه دوره ششم و سیزدهم چنینیه همین است چنانچه مراد از موظف حقوق نباشد احتیاج نیست که قبل از کلام مستخدم موظفاً قید شود و یک چنین تعبیر مثل این است که بگویند اگر یکی از اعضای ادارات دولتی در مجلس با تصدیق رأی وکیل شود از عضویت اداره منصرف است و حاجت باظهار نیست که رأی دادن متلازم با نمایندگی است کما اینکه انجام وظیفه و استخدام لازم و ملزوم یکدیگرند و هر کس در ادارات دولتی مستخدم شد وظیفه دار و مسئول است. پس مراد از موظفان گرفتن وجهی است از خزانه دولت و هر کس قبل از خارج شدن از مجلس تعهد کرد بدون اخذ حقوق خدمت کند از عضویت مجلس منصرف نمی شود و تعهد باید سریع باشد تا خللی بعضویت او نرساند. مضافاً به اینکه ماده ۱۵ قانون استخدام کشوری چند مقام را که از آن جمله وزارت است از رتبه نه گانه اداری خارج مینماید. و بعضی بر این عقیده اند که اصل ۳۲ تاکنون باین طریق عمل نشده یعنی آنهایی که وزیر شده اند بعد از افعال به مجلس مراجعت نموده اند. بقیده من اول باید سؤال نمود کسانی که از مجلس بشرط نگرفتن حقوق رفته اند کیانند و بر فرض اینکه متعهد شده باشند بدون حقوق خدمت کنند باز نگشت آنها دلیل نیست که اصل ۳۲ مانع باشد و نتواند به مجلس بازگشت نمایند چه عدم مطالبه حق دلیل نداشتن حق نیست و در قانون اساسی بعضی از اصول هست که اجرا نشده مثلاً اصلی که راجع است به مجلس است پس اگر ملت ایران تقاضای تشکیل مجلس بنا نمود بنا بر این عقیده باید گفت که مجلس بنا باید تشکیل شود در صورتیکه هر وقت مقتضیات وجود بنا را ایجاب نمود آنرا باید تشکیل داد، بعضی ها هم چنین عقیده دارند که اصل تفکیک قوا سه مانع است که وکیل با حفظ مقام نمایندگی وزیر شود، در صورتی که حکومت ملی متقسم باقسامی است که یکی از آنها حکومت پارلمانی است و بر طبق قانون اساسی ما کشور ایران دارای این حکومت است و در حکومت های پارلمانی و کیسل

بوزارت میرود و از وزارت که افتاد بر میگردد و در مجلس و کیل میشود. و در جواب آنهایی که فرموده اند اگر و خلعت اوضاع خدمت را برای هر کس واجب عینی نموده است و من که چنین اظهاری نموده ام چرا باید قبول کار را مشروط بپازگشت مجلس کنم، عرض میشود که ما مردم انتخاب نموده اند تا آخر دوره در مجلس خدمت کنیم، اگر مجلس تصور نمود که من در دولت مفید ترم و از حقوق هم که صرف نظر نمودم حق این بود که بازگشت من بمجلس تأمین شود و شرط بازگشت برای این بود که اگر از خدمت دولت محروم شوم از خدمت ملی محروم نشوم و در مجلس باشم تا بتوانم جهات عدم موفقیت و یا عدم مساعدت مجلس را بجامعه عرض نمایم. پس معلوم شد که خلعت و حرمت هر چیز مشروط با کثرت است، اگر اکثریت خواست که حرام را احلال کند، میکند و اگر نتوانست حلال هم حرام میشود. من از اکثریت سؤال نمیکنم که چرا با نخست وزیری مشروط من موافقت نمود، از ابتدای این دوره من در اقلیت بوده ام و اکثریت غیر از مخالفت من با دادن امتیاز نفت با حرفهای دیگر من موافقت نکرد (حفظت شیئا و غابت عنك اشياء) من از فراکسیون توده سؤال میکنم که از اول این دوره که با من مخالف نبود و در مطبوعات خود مرا تقدیر نمود و یکی از نمایندگان آن فراکسیون قبل از مذاکرات نفت در جلسه خصوصی مجلس مرا برای نخست وزیری پیشنهاد کرد و نظریات من هم در باب امتیاز نفت با نظریات فراکسیون موافق بود چگونه آقای دکتر زاهد منش در جلسه علنی ۱۹ مرداد اینطور اظهار نمود «من ورقه‌ایم با دادن امتیازات بدولت های خارجی بطور کلی مخالفیم همانطور که ملت ایران توانست راه آهن را خودش احداث کند یقین دارم که با کمک مردم و سرمایه داخلی ما میتوانیم تمام منابع ثروت این مملکت را استخراج کنیم» چه شد که با نخست وزیری مشروط من مخالفت کرد؟ من تصور نمیکنم که جوانان روش فکر مملکت معنی قانون را فهمند بلکه اینطور تصور میکنم که با نظریه سیاسی من که «موازنه منفی» است موافقت ندارند، بنابراین لازم میدانم که نظریات خود را توضیح کنم.

من آنچه عرض کرده ام در مصالح مملکت و منافع آن دولتی است که طالب «موازنه سیاسی» است. هر گاه ما تعیب از «سیاست مثبت» کنیم باید امتیاز نفت شمال را هم برای مدت ۹۲ سال بدهیم و باین طریق موازنه

### لزوم اتخاذ سیاست موازنه منفی

سیاسی برقرار کنیم - گذشته از اینکه ملت ایران برای همیشه و اکنون مجلس با این کار موافق نیست و دادن امتیاز مثل این است که مقطوع الیدی برای حفظ موازنه راضی شود که دست دیگر او را هم قطع کنند در صورتیکه هر مقطوع الیدی برای حفظ ظاهر هم که باشد طالب دست مصنوعی است و آن مقطوع الیدی که بخواهد مقطوع الیدین شود خوب است خود را از مذلت زندگی خلاص و قبل از اینکه بد ثانی او قطع شود انتحار کند.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

دکتر مصدق - صحیح است خواهش میکنم نگوئید، تصدیق و تکذیب مطالبم موکول به قبول یا رد پیشنهادی است که عرض میکنم. تعیب «سیاست مثبت» برای کسانی خوب است که از عهده آن برآیند پیروی از این سیاست برای آنها مفید است که اهل حنا بده از هر کس که سؤال شود هشت بیشتر است یا شصت میگوید ۶۰ پس هشت نفر نمی-

توانند باصمت نگرش و مذاکره کنند و لولاینکه چند بیشه وردیگرهم اضافه نمایند . از نظر وطن پرستی هر گاه ما از سیاست مثبت پیروی کنیم بر فرض اینکه در مجلس دودسته مساوی تشکیل شود هر وقت که باهم موافق شدند کار ما زاراست ولی اگر ما از «سیاست منفی» تعقیب کنیم و مجلس از نمایندگان حقیقی ملت تشکیل شود از چنین مجلس کاری برخلاف مصالح ملت نمی گذرد و آنوقت است که «موازنه سیاسی» بنفع ایران برقرار است . با هر یک از نمایندگان در خارج مجلس صحبت کنیم غیر از نوع خواهی و وطن دوستی نظری ندارند . از هر یک از افرادی که در این چنگ شرکت میکنند اگر سؤال شود غیر از خیر بشر چیزی نمیخواهند و حاضر نیستند مورچه ای را زیر پا گذارند ولی داخل صاف که شدند هر چه آمرگفت میکنند و با کسی از قتل عام ندارند گرچه بعضی اشخاص مثل مرحوم حسن پیرنیا و جناب آقای حسین پیرنیا حاضر نمیشوند و کیل غیر آزاد شوند . فرض میکنیم که بهترین اشخاص باین طریق انتخاب شوند کاری که در مصالح مردم و ضرر موکل باشد نمیکند و بدترین اشخاص را اگر مردم انتخاب کنند بحکم الأمور معلوم هر چه میکنند در مصالح مردم مینمایند .

آقایان محترم این اولین دفعه نیست که بمن تکلیف کار میشود یکی از دفعات در عهد سلطنت «رضاشاه» است . روزی آقای حسین علاء بغانه من آمد و گفت شاه با آقای «سرتیپ حبیب الله شیبانی» کسه آنوقت

### یک مصاحبه تاریخی با شاه فقید

رئیس ارکان حرب بود؛ فرموده اند؛ اگر دکتر معدوق را بخوام می آید یا نه ، از این حرف تعجب نمودم و گفتم اگر روزهای دو شنبه حضور شاه تیروم از این جهت است که نماینده ملت و باصنای فرمایشات شاه احتیاج ندارم ولی چه مانع است که هر وقت احضار شوم کسب افتخار نمایم . چیزی نگذشت شاه مرا خواست و فرمود در مجلس گفتید آنچه را که نمی بایست بگوئید عرض کردم «آنچه روز نهم آبان ماه (روزی که سلسله قاجاریه خلع شد) گفته ام از نظر مصالح مملکت بوده است و من بین شاه و وطن دوست و مملکت فرق نمی گذارم ، فرمود توضیح دهید تا قانع شوم ، عرض کردم روزی محصد علی شاه مرا احضار کرد و فرمود که خواستم توسط معاون الدوله (آنوقت وزیر خزانه) بابهبانی (منصوب آیت الله آقای آسید عبدالله) راهی باز کنم کاری نکرد هر گاه شما بتوانید کاری کنید موجب امتنان است .

عرض شد که شاه را بابایشان چه حاجت است؟ ایشان هر چه دارند از همراهی و مساعدتی است که با آزادی خواهان مینمایند شاه هم همین رویه را اختیار کنند و با مشروطیت مخالفت نفرمایند تا دکان سیاسی آقا تخته شود . آقا واصحابش همگی من تبع شاه شوند . همان روز مذاکرات باشاه را به مرحوم بهبهانی گفتم تصدیق نمود و بسیار خندید . در جواب فرمود سرشاه هم بوی فورمه سبزی دارد (خنده نمایندگان) این بود جواب عرایض من بآن شام هر گاه اعلیحضرت هم پس از عرایضی که میکنم همانطور جواب دهند چیزی عرض نکنم والا اجازه فرمائید مطالبی را بر عرض رسانم» فرمودند بگوئید تا معلوم شود: «عرض شد موقع آمدن بهضور چشم بردر سکی افتاد این بنای با عظمت را اعلیحضرت برای چه میخواهند؛ گفتند در خانه من است مگر من خانه نمیخواهم؛ عرض کردم خانه حقیقی شاه قلب ملت است اگر آن را دارند احتیاجی باین ها ندارند فرمود دیگر بگوئید . عرض شد از بستن طاق نعمت در ولایات و آوردن مردم بالیسه عاریه با استقبال شاه مقصود چی است؟ چنانچه شاه بمردم خدمت کنند اگر مردم ندانند باز اعلیحضرت ما جوروند چونکه «تاریخ» خدمات

هر پادشاهی را بسلطنت خود فراموش نسیند. فرمودند که حرفهای شما جواب ندارد، غرض از خواستن شما این بود که بدانم برای چه از مجلس صرف نظر نسینید. عرض کردم آقای مستوفی میخواسته مرا وزیر خارجه کنند و اصرار هم نمودند نتوانستم قبول نمایم، فرمود من باو گفته بودم که شما را وارد کار کند و حالا مقصود این نیست که وزیر خارجه شوید بیاید خودتان مستوفی (۱) باشید. عرض شد حکایتی دارم که اگر اجازه بفرمائید عرض کنم: با «کس منیسکی» بأمور تجارت دولت روسیه تزاری برای تصفیه حسابی در همین جا که مستأجر بود ملاقات نمودم و غیر از او با خارجیها آشنائی نداشتم. در جریان جنگ ۱۹۱۴ که دولت انگلیس و روس میخواسته در ممالیه ایران نظارت کنند منزل من آمد و گفت با «پورنیوف» مترجم سفارت نزد سپهسالار بودیم (سپهسالار آنوقت رئیس الوزرا بود) گفته برای ریاست کمیسیونی که باید تشکیل شود شما را در نظر دارند. چون «پورنیوف» گفت که با شما سابقه ندارد من میخواهم شما را با آشنا و به «فناتر» وزیر مختار معرفی نمایم. غرض از تشکیل کمیسیون آن است که نمایندگان سه دولت در ممالیه ایران تفتیش کنند و کمیسیون مرکب از پنج نفر است که سه عضو آن را دولت ایران و دو عضو دیگر را دولت روس و انگلیس تعیین مینمایند و اکثریت با دولت ایران است، هر گاه شما ریاست آنرا قبول کنید بانک استقراضی (بانک دولت روسیه تزاری در تهران) سند میسپارد که مادام العمر شما در هر ماه هزار تومان تأدیبه نماید و لوائینکه کار را برای مدت کمی قبول نسائید. گفتم چون مجلس سوم مرا برای کمیسیون دیگر بنام «کمیسیون تطبیق حوالعات» انتخاب نموده است که با حقوق دوست تومان در ماه معین وظیفه را انجام نمایم هر گاه برای گرفتن ماهی هزار تومان از آنکار استفا کنم مردم میگویند طمع مرا بچنین کار نابخکاری و اداشت از اعلیحضرت هم اگر قبول خدمت کنم خواهند گفت که ماهی ۱۵۰۰ تومان را به ۲۰۰ تومان حقوق مجلس ترجیح داده ام، این است که استدعا میکنم تا آخر دوره تقنینیه از من صرف نظر فرمایند» و بدیهی است که نخواستم و یا نمیتوانستم بیش از این اظهاری نمایم مقصود شاه این نبود که از افکار من استفاده کند چه هر کسی با آن شاه کار میکرد از افکار خود استفاده نمی کرد. بلکه نظرش این بود که مرا از مجلس خارج کند و ثابت نماید که من هم مثل بعضی ها با آنچه میگویم عقیده ندارم؛ پس از اینکه شاه دید هیچ چیز مرا نمی تواند از عقیده ام خارج کند ما بوسانه بن نگامی کرد و گفت این مذاکرات باید مکتوم بماند و در عصر سلطنت اعلیحضرت جوان بخت که بچون خواهان ترقی و تعالی مملکتند و با نیت پاکی میخواهند شاه حقیقی مملکت شوند دعوت شدم و میخواستم قبول خدمت کنم بجهاتی که عرض میکنم نشد کسب افتخار نمایم.

در جلسه هفتم آبان که من با دادن امتیاز نفت مخالفت نمودم بیانات من در عموم آقایان نمایندگان طوری اثر کرد که نخواستند در موقع بحران از من صرف نظر کنند و نمایندگان فراکسیونها و منفردین در

علت عدول اکثریت از  
زمانداری دکتر مصدق

کمیسیونی که جمعه ۱۲ آبان تشکیل شد طرح قانونی ذیل را تنظیم نمودند: نظر بلزوم تعیین مفاد اصل ۳۲ متمم قانون اساسی و با توجه بمقتضیات کنونی و لزوم استفاده از شخصیت ملی دکتر محمد مصدق ماده واحده ذیل به مجلس شورای ملی پیشنهاد و باقیه دو



فوریت تصویب آن تقاضا میشود.

ماده واحده

الف - اصل ۳۲ قانون اساسی که مقرر میدارد «چنانکه یکی از وکلای ادارات دولتی موظفاً مستخدم شود از عضو مجلس متصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستغای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود» ناظر به استخدامین دولت که مشمول مقررات قوانین استخدامی هستند میباشد و نسبت به نخست وزیر و وزراء معاونین پارلمانی آنها مشمول ندارد.

ب - بشخص دکتر مصدق استثنائاً اجازه داده میشود که بدون رعایت شروط مقرر ماده دوم قانون مصوب ۲۲ تیرماه ۱۳۰۶ مقام نخست وزیری را قبول و پس از پایان تصدی بکرنسی نمایندگی خود در بقیه مدت دوره چهاردهم تقنینیه بازگشت نماید.



من اینطور تصور میکنم که اگر ماده فوق با اکثریت قریب با اتفاق نیگداشت با اکثریت قابل توجهی تصویب میشد و باید دید چه سبب شد که اکثریت از عقیده ای که بزمأمرداری من داشت عدول کرد. بعضی میگویند که اکثریت بزمأمرداری من عقیده نداشت و آنرا برای اخراج من از مجلس وسیله قرار میداد چون بازگشت را شرط قبول کار نمود منصرف شد ولی من آنچه واقع شده است عرض مینمایم و قضاوت را بنظر بیات اشخاص میفرض محول مینمایم. برای اینکه پس از قبول کار با عدم موافقت مواجه نشوم و بین من و آقایان محترم که نهایت صمیمیت بود سوء تفاهم نشود توسط دوستانم عرض فراگسیونها و آقایان نمایندگان منفرد رساندم که سرمایه من منحصر به مخالفت با امتیاز نفت نیست و سرمایه های دیگری هم دارم. از ابتدای این دوره راجع به دکتر میلیسپو و اختیارات او و همچنین راجع به قرارداد فروش نفت و غیره حرفهایی زدم که از هیچیک نمی توانم صرف نظر کنم و حتی الامکان باید در اجرای آنها سعی نمایم. من هرچه در زندگی گفته ام برنامه من است خدا نخواهد که من حرفی بزنم و بیان معتد نباشم اگر آقایان با گفته های من موافقت اظهار نمایند که از حسن ظنی که ابراز میکنند آنها را پیشیمان نمی نمایم والا از من صرف نظر نمایند. یا این پیام آقایان محترم چه میتوانستند بکنند، اگر بین رأی میدادند مردم می گفتند چه شد که با آن همه حسن ظن از من صرف نظر نمودند و اگر رأی میدادند تازه اول دعوا بود. پس بهتر همین بود که با «نخست وزیری بلا شرط» من موافقت کنند و با شروط مخالفت نمایند. من از آقایان محترم متشکرم که با من برخلاف مسرت کاری ننمودند و نخواستند که رفیق نصف راه باشند و از این که بین ما همان صمیمیت باقی است سپاسگزارم.

آقای نخست وزیر من بعنوان موافق صحبت میکنم و چون فرمودید که جواب نمایندگان رادر آخر میدهید در صورتیکه با نظریات من موافقت کنید من بدون شمارای مثبت میدهیم تقاضای من

دو تقاضا  
از دولت «بیات»

این است که دولت شما در دو موضوع بدون تأخیر اقدام کند. در «کار دکتر میلیسپو» و «استخراج نفت» من از شما چیزیکه عقیده ندارید درخواست نمیکنم. آقای ساعد پس از آن که خلافکارهای دکتر را تصدیق نمود و یکی از نامهای مفصل ایشان در مجلس خوانده (۱) شد

معلوم نشد چه پیش آمد که از عقیده خود عدول کند، شرح عملیات او بیش از حد لزوم در مجلس گفته شده و چنانچه عرض کنم یک چهارم وقت مجلس در این دوره صرف این کار شده افزاین نگفته ام و امیدوارم که شما کاری کنید که باین مذاکرات خانه داده شود.

راجع به نقت روزنامه «در عدل امروز» در شماره ۳۱۵ مورخ اول آذر مقاله روزنامه «تایمز لندن» را منتشر نموده است که در باب نقت ایران سه مطلب اظهار می کند:

### مقاله تایمز لندن راجع به نقت ایران



اول - تأسف و ملامت و در این باب میگوید: «اخیراً مذاکراتی میان امریکا و انگلیس راجع به نفت ایران جریان داشته ولی بطور کلی مذاکرات مزبور بیش از هر چیز مربوط به مشکلات خاور نزدیک بوده است و در هر حال چون نولت روسیه برای شرکت در این مذاکرات دعوت نشده بود ممکن است همان مذاکرات سبب جزئی برای اقدامات اخیر روس شده باشد و آنرا عکس العمل مذاکرات انگلیس و امریکا و اغفال خودش تصور کند. این عکس العمل طبیعی است اگرچه قدری از اصول خردمندی دور میباشد و در هر صورت اگر این خطاها تکرار گردد بزیران دولت های متفق تمام میشود.» پس معلوم شد که دولت

آقای طوسی نماینده پیچورد کیسه برای اولین بار راجع به نقت در مجلس ۱۳ صحت کرد رجوع شود به صفحه ۱۵۴

انگلیس و آمریکا از اینکه دولت شوروی را در مذاکرات خود شرکت نداده اند متأسفند و با این حال انتظار نداشتند که دولت شوروی بدون مشورت با آنها از دولت ایران امتیاز بخواهد و دولت امریکا و انگلیس ناچار شوند از امتیازی که میخواهند صرف نظر نمایند البته اصول خردمندی چنین ایجاب مینماید که دولت شوروی بخود و متفقین خود ضرر نرساند و با مشورت آنها هر چه میخواهد تقاضا نماید. و قسمت دیگر از مندرجات «تایمز» که میگوید: «از این بالاتر آنکه بقرار معلوم دولت روس بدون مشورت قبلی با دو همسایان بزرگ خود (امریکا و انگلیس) در انجام تقاضای خود اصرار میورزد» آنرا تأیید می نماید.

دوم - امیدواری بآینده، در این باب «تایمز» می نویسد:

«اشتیاق دولت شوروی برای گرفتن امتیاز نفت ایران خیلی واضح و روشن است و سبب خاصی موجود نیست که مذاکرات راجع بآن را ببعد از جنگ معول سازد ولی متأسفانه دولت شوروی بقدری فشار آورد که جریانی شبه به بحران در روابط شوروی و ایران پدید آمده است»

بنظر روزنامه مزبور برای اینکه مذاکرات به بعد از جنگ معول شود سبب خاصی مشاهده نمیشود دولت شوروی باید مانع را مرتفع کند تا بقصود نائل گردد.

سوم - نصیحت و اندرز بدولت شوروی.

«مذاکرات کامل و روشنی میان انگلیس و روس و ایران و امریکا در این باب مطرح